



کانون معلولین توانا

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی

ISSN 2008-7101

بیک توانا

نشریه الکترونیک بیک توانا - شماره هفتم



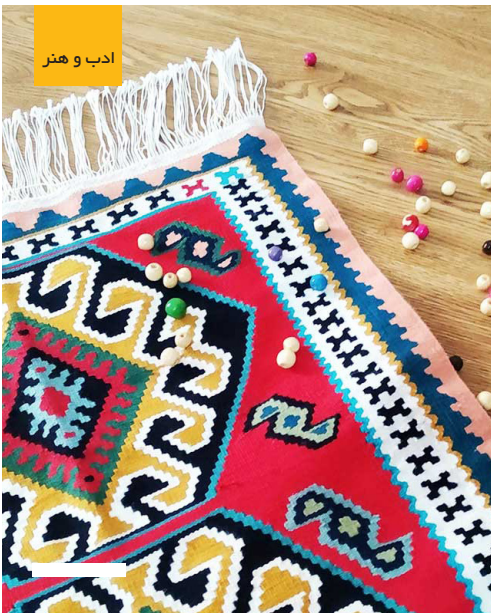
تیم بسکتبال با ویلچر فیروز در دومین رقابت‌های بین‌المللی ارمنستان به جایگاه نخست رسید

در ده‌های سهمیه‌بندی شده معلولان

تناقض‌های چند هزار میلیاردی آقای وزیر؛ ماهیچ مانگه



اجتماعی



ادب و هنر

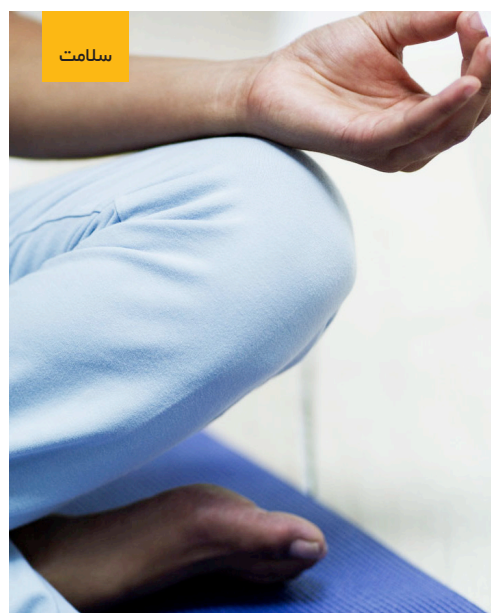


چراغ روشن

فعالیت های
کانون معلولین توانا



علمی



سلامت



صاحب امتیاز: کانون معلولین توانا مدیر مسوول: محمدرضا هادی پور

شورای سیاست گذاری:

حجت اله یوسفی، سید اکبر حسینی، محمد حسن هادی، مرتضی رویتوند

سردبیر: رقیه بابایی

هیئت تحریریه:

مرتضی رویتوند، معصومه آمدی،

میترا بهرامی، مهدیه برنگ، نقیسه کلهر

گرافیک و صفحه آرایی: زهرا آبی پور

عکس: میثم کلانتری

با تشکر صمیمانه از همکاری این عزیزان:

مرضیه کریمی، مهدیه برین، پروین کریمی نیلوفر خوش زبان، و سایر همکاران

نشانی دفتر ماهنامه :

قزوین - بلوار شهید بهشتی - نرسیده به میدان قدس

کانون معلولین توانا - دفتر ماهنامه پیک توانا

صندوق پستی: ۳۴۶۳-۳۴۱۸۵

تلفکس: ۰۲۸-۳۳۳۳۹۲۱۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۵۴۵

* خواهشمند است نوشته ها و عکس های خود را (با موضوع معلولیت) از طریق پست الکترونیکی Info@irantavana.com و یا صندوق پستی ۳۴۱۸۵-۳۴۶۳ ارسال کنید و از اینکه مسوولیت آثارتان را به عهده گرفته و ویرایش نهایی را به ما می سپارید، سپاسگزاریم. مقاله ها، مطالب، و عکس های ارسالی شما نزد ما به یادگار می ماند و بازگردانده نمی شود. * استفاده از مطالب پیک توانا، تنها با ذکر منبع امکان پذیر است.

* درج نظریه ها، عقاید و به ویژه آگهی در این مجموعه به معنای تأیید آن از سوی مسوولان مجله نیست. بررسی، تحقیق و اطمینان از درستی آن، به عهده شما عزیزان است.

دردهای سهمیه‌بندی شده معلولان

انجام امور شخصی نیازمند خودرو هستند. اغلب آنها به تناسب معلولیت خود بیش از سایر آحاد جامعه به مراکز درمانی مراجعه دارند و نیازشان به فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی و مستمر است.

همچنین رفت و آمد معلولین به دانشگاه، محل کار و حتی یک تفریح ساده در گرو استفاده از خودروی شخصی و برخورداری از سهمیه بنزین کافی است و تا وقتی جامعه ظرفیتی برای رفع نیازهای عمومی معلولان ارائه نداده پس نمی‌تواند از آنان توقعی مشابه با سایر گروه‌های اجتماعی داشته باشد.

اگر یکی از دلایل سهمیه‌بندی بنزین، ایجاد الگوی صحیح مصرف باشد که گویا هست، دولت باید در این مورد معلولان را معاف کند چرا که تا زمانی که عرصه تردد در سطح شهرها برای معلولان باز نیست و تا زمانی که دولت به وظیفه خود در زمینه مناسب‌سازی واقعی عمل نکرده و برابری اجتماعی را در حق آنان به جا نیاورده، پس نمی‌تواند از آنان برابر با سایر شهروندان انتظار مشارکت در چنین طرحی را داشته باشد. همچنین وقتی سیستم حمل‌ونقل عمومی کشور هنوز فاصله معناداری با استانداردهای مورد نیاز معلولان دارد و وزارتخانه‌های ذیربط با بودجه‌های هنگفت خود زیر بار رعایت خردترین حقوق معلولان در این زمینه نمی‌روند، داشتن توقع مشارکت از معلولان توقع نابجایی است و عدم تخصیص سهمیه برای آنان بی‌عدالتی محض است.

دولت چنانچه معتقد است که نتایج حاصل از طرح‌هایی چون هدمندی بارانه‌ها باید صرف اقشار آسیب‌پذیر جامعه نظیر معلولان شود پس این ادعا در مورد بنزین نیز باید صادق و کاربردی باشد.

جاافتادن معلولان در طرح سهمیه بندی بنزین علاوه بر آنکه نشان می‌هد اتاق‌فکرهای دولت از وجود مشاوران مجرب برای بررسی جوانب مختلف طرح مذکور و بررسی آثار آن در زندگی معلولان خالی بوده است، نشان می‌هد دولت در زمینه مشاوره و استفاده از دانش افراد صاحب‌تخصص ظرفیت قابل قبولی ندارد و یا اجرای عجولانه و سرسری طرح‌ها مجالی برای مشاوره باقی نمی‌گذارد.

بر همین اساس به دولت و به‌ویژه به سازمان بهزیستی به عنوان نماینده دولت در امر تولی‌گری معلولان پیشنهاد می‌شود به جای دوباره کاری و اتلاف وقت و هزینه در طی کردن سیکل معیوب سهمیه بندی بنزین معلولان و طیف‌های دارای نیاز مشابه؛ دولت را در این امر قانع سازند تا بنزین صرفه‌جویی شده در طرح اخیر را بدون سهم‌بندی و افزایش قیمت به دست معلولان، جانبازان و سالمندان جامعه برساند تا در عوض پروسه‌ی بازگشت به عقب؛ دست‌کم شاهد حمایت دولت از این گروه‌ها و پیشگیری از مستاصل ماندن آنان در آشفته‌باز فعلی باشیم.

هرچند که بر افراد دارای معلولیت، سمن‌ها و فعالان این حوزه روشن است که فاز بعدی بازی با معلولان، آغاز بازی بنزینی است تا با اشتغال فکری به این مساله، بخش بزرگی از نداشته‌های خود و خلف وعده‌های دولت را فراموش سازند و گرنه امروز هر شهروند عادی نیز به نیاز افراد دارای معلولیت و چگونگی تردد آنان در بستر شهرها اشراف دارد... با این حال روز جهانی معلولان بر همه آنانی که از هیچ تلاش دلسوزانه‌ای برای توانمندی این قشر محروم دریغ ندارند و همچنین بر آنانی که وجود معلولان مایه رونق کسب‌وکارشان است! گرامی‌باد.

هرجا که پیکره مدیریت خراش بخورد و شعار و شواف بر مسند کار عملیاتی تکیه زده بزند، «درد»، سهمیه از پیش تعیین شده‌ای می‌شود که نمی‌توان مشترک آن نشد و آن را نخواست. و هرجا که پیکره مدیریت خراش بخورد و شعار و شواف بر مسند کار عملیاتی تکیه زده بزند، «درد»، سهمیه از پیش تعیین شده‌ای می‌شود که نمی‌توان مشترک آن نشد و آن را نخواست.

وقتی بی‌مبالاتی آمیخته به حاشیه امن و عدم مجازات تخلف‌کنندگان، ویژگی مدیرانی شود که در برنامه‌های ریز و درشت خود همواره ضعیف‌ترین اقشار جامعه را از قلم می‌اندازند و جغرافیای نظارتشان محدود به طول و عرض اتاق کارشان و افرادی که به آن آمدوشد دارند شود، «درد» سهم خالص مظلومانی می‌شود که حتی از نخواستن آن نیز عاجزند.

هرجا که بی‌تدبیری و کوتاه‌فکری عنان امور را دست گیرد، انسانیت، زیر آوار سکوت و مصلحت دفن می‌شود و باز قرعه «درد» به نام کسانی می‌خورد که سال‌ها پیش حتی از یاد خودشان نیز رفته‌اند! اینجا سبک مدیریت وارونه است تا مبدا معلولان به آسودگی برسند.

پس از آن‌که افراد دارای معلولیت ۱۴ سال تمام به اندازه کافی با کلید واژه‌های به‌نام «قانون جامع حمایت از معلولان» و تودرتوهای تصویب و عدم تصویب آن به بازی گرفته شدند و پس از آنکه این واژه آنقدر نخ نما شده بود که دیگر نمی‌شد بازی دیگری را با آن آغاز کرد، لازم بود دولت محترم تمهید دیگری اتخاذ کند تا این قشر هرگز روی آرامش ندیده، لحظه‌ای از تلاش و مبارزه نایستد و لختی روی آرامش نبیند!

وقتی قانون جامع حمایت از معلولان در اسفند ۹۶ به تصویب مجلس رسید و دو ماه بعد توسط رئیس‌جمهوری برای اجرای قطعی به دستگاه‌ها ابلاغ شد، مدیران همیشه به‌هوش، تازه به خود آمدند و اعلام کردند بودجه‌ای برای اجرای این قانون تخصیص داده نشده. و اینگونه دوباره دور جدیدی از ماراتن بازی با کلمات از سر گرفته شد.

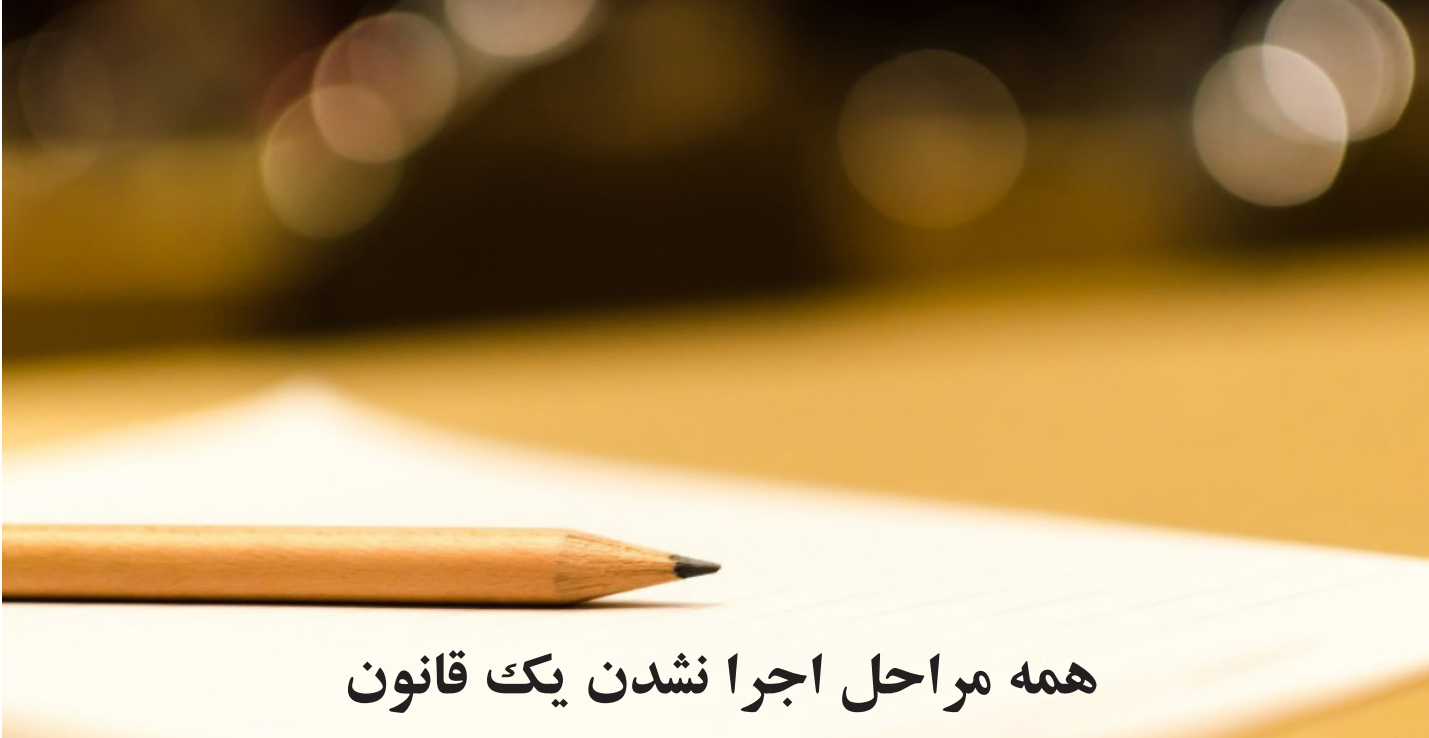
این بار قانون تصویب شده بود اما مسئولان مربوطه در فاز بعدی بازی، آماده بودند تا هر روز با چهره‌ای ناراحت، داد عدم تخصیص بودجه اجرای قانون را سر دهند. باز همه به خانه‌هایشان بازگشتند و افراد دارای معلولیت ماندند و لبخندی که به صورت‌هایشان خشک شده بود. از اردیبهشت ۹۷ تا نیمه سال جاری زمان خوبی صرف دادخواهی بودجه شد و از آنجا که بازی باز به یکنواختی رسیده بود، جای خالی هیجانی نو، به شدت احساس می‌شد.

از همین‌رو دولت- که عادت به بی‌تفاوت بودن به مسائل معلولان را نداشت و ندارد- در طرح جدید خود مبنی بر سهمیه‌بندی بنزین، با عدم تخصیص سهمیه به افراد دارای معلولیت به خوبی از عهده پر کردن این خلاء برآمد. دولت هیچ سهمیه‌ای به معلولان اختصاص نداد تا تاکید دوباره‌ای شود بر اینکه این طیف را از لیست شهروندان خود خارج ساخته و آنان در هیچ‌یک از پروژه‌های دولتی صاحب اولویت نیستند. افراد دارای معلولیت در حالی در طرح سهمیه‌بندی بنزین نادیده گرفته شدند که خودرو حکم پاهای نداشته‌شان را دارد و بدون برخورداری از سهم بنزین به‌طور قطع در خانه‌های خود حبس می‌شوند.

عدم توجه دولت به این واقعیت مبرهن، اگر حاصل بی‌کفایتی نباشد حتما محصول ناآگاهی و فقدان مدیرانی خردمند و جامع‌نگر است و صدا البته این شایسته کسانی که ادعای مدیریت امور جامعه را دارند، نیست! این اهمال بزرگ یقیناً ناشی از بی‌توجهی و عدم شناخت دولت از شهروندان دارای معلولیت بوده و از دایره عدل و انصاف به دور است. چرا که معلولان به دلیل محدودیت حرکتی از امور ضروری گرفته تا

اجتماعی





همه مراحل اجرا نشدن یک قانون

کند و آتش دل چند میلیون شهروند معلول را کمی فرو بنشانند؟

اداره حقوقی نهاد ریاست جمهوری، ناظر دیر هنگام از کوتاهی این دو مرجع که بگذریم، اقدام اداره حقوقی نهاد ریاست جمهوری نیز جای تامل دارد. چنانچه این نهاد در بررسی آیین نامه ماده مذکور وظیفه مستقیمی دارد چرا انجام این وظیفه را ۱۹ ماه به تاخیر انداخته و در این مدت علاوه بر اتلاف وقت معلولان، موجب طولانی شدن روال اجرای قانون شده است؟

چه بسا اگر این نهاد در زمان معین وظیفه خود را انجام می داد علاوه بر تسریع در رفع اشکالات قانون، اجرای آن را هم با هزینه های زمانی و روانی کمتری مواجه می کرد.

اما چنانچه این نهاد در بررسی آیین نامه های مربوط به قانون مذکور صاحب وظیفه ای نیست پس چگونه اقدام به ارجاع آیین نامه کرده و خواستار تدوین مجدد آن شده است؟

اینها همه ابهاماتی است که در پی تصمیم اخیر نهاد حقوقی ریاست جمهوری مبنی بر ارجای مجدد آیین نامه ماده ۲ قانون جامع حمایت از معلولان ایجاد شده.

ابهاماتی که اکنون هیچ دستگاهی در پاسخ دادن به آن احساس مسئولیت نمی کند و تنها قانون مربوط به جمعیت چند میلیونی معلولان ایران به همین سهولت گام های عقب گرد خود را برمی دارد. و باز معلولان می مانند و دنیایی از مشکلات و راهی به درازای عمر در پیگیری هزار باره حقوقی که کمترین حق آنان به گردن دولت است...

اما در این میان نقش وزیر رفاه، کار و امور اجتماعی و مشاوران وی " به عنوان نماینده ارشد رئیس جمهوری در اداره بخش مهمی از کشور " در احساس مسئولیت و چگونگی حصول اطمینان از صحت و سقم آیین نامه های مذکور و همچنین در چگونگی اقناع هیات دولت و به تصویب رساندن آن سوالی است که دست کم نویسنده این مطلب پاسخی برای آن ندارد...

شده اند تا در بستری از بی اعتنایی هرگز اجرا نشوند. ارجاع آیین نامه؛ خروجی جالب اداره حقوقی نهاد ریاست جمهوری

اخیرا اداره حقوقی نهاد ریاست جمهوری " در حالیکه ۱۹ ماه از تصویب قانون جامع حمایت از معلولان می گذرد " با مشارکت مدیران چند انجمن جلسه ای برگزار کرد تا طی آن به بررسی آیین نامه اجرایی ماده دو قانون جامع حمایت از معلولان بپردازد. این جلسه که از قضا توسط کارشناسان حقوقی و نمایندگان مستقیم دولت برگزار شده بود، خروجی جالبی داشت.

برگزار کنندگان این جلسه در حین بررسی آیین نامه ماده ۲ قانون مذکور ناگهان به ایرادات ساختاری آن پی برده و آیین نامه را به منظور تدوین مجدد به وزارت رفاه ارجاع دادند!

موضوع رنج آور این است که این فقط سرنوشت یکی از آیین نامه های قانون ۴۳ ماده ای مربوط به معلولان است و از اینکه دولت چه وقت مجالی برای بررسی باقی آیین نامه های مواد این قانون و تکرار دوباره این سرنوشت خواهد داشت، اطلاعی در دست نیست! حال تصور کنید اگر این اتفاق هر ۱۹ ماه یکبار برای یکی از مواد قانون مذکور بیفتد...؟

مراجع تخصصی یا نهادهای بی تخصص؟ اما عمق فاجعه زمانی روشن می شود که بدانیم این آیین نامه توسط دبیرخانه ستاد مناسب سازی کشور و دبیرخانه ستاد پیگیری و هماهنگی مناسب سازی سازمان بهزیستی کشور یعنی تخصصی ترین مراجع مربوطه تدوین شده است!

آیا باید بپذیریم کارشناسان این دو مرجع از دانش حقوقی کافی برخوردار نیستند؟ یا باور کنیم که آنان دانش کافی دارند اما از مجال و دقت لازم بی بهره اند؟ آیا باید در دلسوزی برخی از کارشناسان نهادهای مذکور تردید کنیم یا در جدیتشان؟

آیا باید احتمال بدهیم که آنها با وجود تاخیر چندین ماهه در تدوین آیین نامه های این قانون؛ باز به زمان بیشتری نیاز داشته اند یا نه، اتفاق رخ داده را پای خطای انسانی بگذاریم؟ کدام احتمال را بدهیم تا تحمل این فاجعه را آسان

خروجی جالب جلسه اداره حقوقی نهاد ریاست جمهوری با مدیران برخی انجمن ها برای بررسی آیین نامه اجرایی ماده دو قانون جامع حمایت از معلولان، این بود که آیین نامه مذکور پس از ۱۹ ماه از تصویب قانون به وزارت رفاه ارجاع داده شد. باور داشته باشید یا نه، برخی قوانین برای اجرا نشدن تصویب می شوند، برای نوشته شدن روی کاغذ و خاک خوردن در کشوی میز بازی گران و بازی گردانان کاربرد. چاره ای نیست جز اینکه بپذیریم گاهی تصویب برخی قوانین به نیت اجرا نشدن؛ چون به خوابیدن صدای اعتراض ها می انجامد، کاراتر از عدم تصویب آنهاست. برخی قوانین تصویب می شوند تا افکار عمومی را ساکت کنند، به بازی بگیرند و سرپوشی بشوند بر بخشی از توقعات صنفی. حالا هر چه صنف مورد نظر ضعیف تر و آسیب پذیر تر باشد این بازی از کشش و پیچش بیشتری برخوردار است.

به گزارش پیک توانا، طبق ماده ۲ قانون حمایت از حقوق معلولان؛ کلیه وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات، شرکت های دولتی، نهادهای عمومی و انقلابی را موظف هستند تا در طراحی، تولید و احداث ساختمان ها، اماکن عمومی، معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل کنند که امکان دسترسی و بهره مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم باشد.

اما این فقط ظاهر ماجراست. چون بر اساس قانون وقتی قانون جدیدی به تصویب مجلس می رسد دستگاه متولی شش ماه زمان دارد تا آیین نامه های اجرایی مواد قانون مورد نظر را تدوین و به تصویب هیات دولت برساند.

وقتی دستگاه متولی تصویب قانون نسبت به انجام وظیفه خود " تدوین آیین نامه های اجرای قانون " در مدت زمان قانونی احساس تکلیف نمی کند می توان اینگونه استنباط کرد که قانون مورد اشاره برای خود این دستگاه که حکم مادری برایش دارد، چندان جدی نیست! و وقتی مراجع نظارت کننده نیز بر انجام وظایف این دستگاه و نمونه های مشابه آن واقعی نمی نهند باز یعنی که برخی قوانین مصوب

نابینایان در انتظار تکذیبیه بانک مرکزی



خود باقی است و نابینایان در استفاده از خدمات بانکی و داشتن دسته چک، محدودیتی ندارند. سهیل معینی در پاسخ به این سؤال که اگر چنین بخشنامه‌ای وجود داشته باشد موضع شما در رابطه با آن چیست، گفت: این اتفاق در صورت بروز به معنای نقض حقوق شهروندی نابینایان است و در اینکه ما حق داریم از تمام ظرفیت‌های حقوقی برای برخورد با آن استفاده کنیم تردیدی نیست.

مدیرعامل شبکه تشکلهای نابینایان و کم بینایان کشور (چاوش) افزود: یکی از مشکلات چندین ساله ما با سیستم بانکی این است که این سیستم با نیت حفاظت از فرد نابینا در برابر آسیب‌هایی مانند سوءاستفاده و جعل امضاء چنین بخشنامه‌هایی را صادر می‌کند، این نیت برای ما قابل احترام است اما «وسیله باید با هدف تطبیق داشته باشد و به نقض حقوق گروهی از مشتریان منجر نشود».

وی ادامه داد: حفاظت از فرد نابینا نباید جایگزین اراده او شود. این اراده فرد نابیناست که از او حفاظت می‌کند و سیستم به جای محدود کردن نابینایان، باید خدمات خود را به گونه‌ای دسترس‌پذیر کند که با شرایط این افراد منطبق شود.

معینی در توضیح بی‌توجهی به حقوق حقه نابینایان بیان کرد: در گذشته بخشنامه‌ای وجود

با اینکه اتحاد این رویه آن هم در دنیای امروز توقع بزرگ و عجیبی نیست اما متأسفانه گاه دیده می‌شود احترام به شهروندان دارای معلولیت قربانی بررسی‌های سرسری و نگاه‌های غیرتخصصی می‌شود و متأسفانه جامعه همچنان هنوز برای خطاهای این‌چنینی، مجازاتی منظور نکرده است. روح جامعه همچنان از ستم‌های ناشی از کم‌کاری عده‌ای از مسئولان و کارکنان عادی سازمان‌ها به اقبال خاص بی‌خبر است و آنچه مسلم است این است که بی‌خبری در اتخاذ تدابیر عقلانی و بهبود وضعیت، کارساز نیست؛ به‌ویژه اگر این بی‌خبری، ناشی از ندانستن یا عامدانه باشد.

ممنوعیت صدور دسته چک برای نابینایان تکذیب شد

رئیس انجمن باور در خصوص صحت ابلاغ بخشنامه‌ای مبنی بر ممنوعیت صدور دسته‌چک برای نابینایان توسط بانک مرکزی اظهار داشت: در پیگیری صحت این مطلب، مسئولان بانک مرکزی به‌طور غیررسمی صدور چنین بخشنامه‌ای را تکذیب کرده و گفتند «بخشنامه جدیدی در این رابطه نداشته‌ایم» اما امور بخشنامه‌های بانک مرکزی ارائه پاسخ شفاف‌تر برای انعکاس به رسانه‌ها را منوط به تقاضای کتبی کرد و این پاسخ اگر تکذیب‌کننده خبر مذکور باشد، به آن معناست که بخشنامه‌های قبلی همچنان به قوت

«بانک مرکزی قانونی وضع کرده که بر اساس آن تمام حق و حقوق شهروندی که برای تمامی افراد جامعه وجود دارد از نابینایان، معلولان و جانبازانی که از ناحیه دست محدودیت دارند، سلب می‌شود». این خلاصه خبری است که در چند روز گذشته در رسانه‌ها منتشر و موجب ناراحتی خانواده بزرگ معلولان و نابینایان شد.

به گزارش پیک‌توانا، اگرچه بانک مرکزی هنوز به‌طور رسمی صحت وجود قانون یا بخشنامه‌ای در این خصوص را رد یا تأیید نکرده اما جامعه نابینایان و کم‌بینایان کشور چنین اقدامی را خلاف قانون و حقوق شهروندی خود می‌دانند.

صرف‌نظر از وجود این قانون؛ باید پذیرفت که رفتار سیستم بانکی با افراد معلول به‌ویژه نابینایان مبتنی بر سلیقه است و از قانون و قاعده‌های متحدالشکل فاصله دارد. سیستم بانکی کشور در ارائه خدمات به نابینایان و کم‌بینایان عموماً آنان را با اما و اگرهایی مواجه می‌کند که کرامت انسانی‌شان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و توجهی به شأن و شخصیت آنها نمی‌شود.

این در حالی است که از این سیستم انتظار می‌رود با بهره‌گیری از متدهای رایج روز، از مرز محدودیت‌های سابق عبور کرده و شمول خدمات خویش را به گونه‌ای وسعت دهد که هیچ شهروندی با هیچ نوع معلولیت و محدودیتی از دریافت آن بازماند.

اشتباهی را نکرده باشد. صابری در توضیح عدم اطلاع‌رسانی دقیق در سیستم بانکی بیان کرد: بانک مرکزی چند سال پیش برای پیشگیری از بروز رفتارهای سلیقه‌ای بانک‌ها با نابینایان، از طریق اداره نظارت بر بانک‌های بانک مرکزی بخشنامه‌ای را صادر و طی دو بند بر مجاز بودن نابینایان در برخورداری از خدمات بانکی تصریح کرد که بر اساس آن مقرر شد نابینایان با امضای یک فرم مسئولیت ناشی از عملیات بانکی را بپذیرند و دسته چک برای آنها صادر شود اما بسیاری از شعب از وجود چنین امکانی مطلع نیستند و ما همواره در مورد نابینایان با استناد به این بخشنامه مدیران شعب بانکی را راهنمایی می‌کنیم. به گفته این عضو سابق شورای شهر تهران اعتبار دسته چک طبق قانون، منوط به امضا و مهر است اما افراد نابینا می‌توانند با ارائه کلیشه امضا، امضای متحدالشکل داشته و از دسته‌چک استفاده کنند اما برخی افراد در بانک مرکزی این موضوع را نمی‌دانند و تصور می‌کنند فقط کسانی که قادر به دیدن هستند می‌توانند امضای متحدالشکل داشته باشند. وی مطرح کرد: بسیاری از افراد نابینا به‌موجب شغلی که دارند باید در موارد و شرایط مختلف امضای خود را ارائه دهند، مثلاً وکلای نابینا مانند خود من با کیشه امضا وکالت‌نامه یا صورت‌جلسات دادگاه را تأیید می‌کنند و این این نمی‌تواند بهانه‌ای برای محرومیت نابینایان از حقوق خود شود.

این است که در چنین مواقعی به‌جای پس‌رفت، بتواند نبوغ خود را نشان دهد. وی خدمات اینترنتی بانک‌ها، تعبیه باجه‌های ویژه خدمات‌دهی به نابینایان و خدمات تلفنی را که نابینان را از مراجعه حضوری به شعب بی‌نیاز کرده را نیز از خدمات مطلوب بانکی نام برد که با تلاش تشکل‌ها و همکاری سیستم بانکی ایجاد شده است.

با تبعیض بانک مرکزی در مورد نابینایان برخورد حقوقی می‌شود

عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری و وکیل مؤفق پرونده خون‌های آلوده تصریح کرد: اگر بخشنامه‌ای مبنی بر ممنوعیت صدور دسته‌چک برای نابینایان به دست من برسد صرف‌نظر از نابینا بودن یا نبودن اقدام حقوقی کرده و ابطال آن را از دیوان عدالت اداری می‌خواهم.

علی صابری ادامه داد: این بخشنامه اگر در آینده هم ابلاغ و صادر شود، در تعارض با حقوق شهروندی نابینایان و بخشنامه‌های قبلی خود بانک مرکزی است و ما با آن مقابله می‌کنیم. عضو سابق شورای شهر تهران در پاسخ به این سؤال که در صورت صحت بخشنامه بانک مرکزی مبنی بر ممنوعیت صدور دسته‌چک برای نابینایان، آیا امکان برخورد حقوقی با چنین تبعیضی وجود دارد یا خیر، گفت: اگر چنین دستورالعملی صادر شده باشد خلاف قانون است و به دلیل نقض حقوق شهروندی و نادیده گرفتن حقوق این افراد در سیستم بانکی امکان برخورد حقوقی با آن وجود دارد اما امیدوارم بانک مرکزی چنین

داشت که به موجب آن افراد نابینا هم‌ردیف با افراد بی‌سواد تلقی می‌شدند و بانک در ارائه خدمات به آنان از آنها می‌خواست تا یک معتمد یا وکیل همراه داشته باشند. این بخشنامه پس از سال‌ها اعتراض و پیگیری لغو شد و بخشنامه دیگری جایگزین آن شد که با امضای فرمی مبنی بر پذیرش مسئولیت‌های ناشی از عملیات بانکی، نابینایان را از همراه داشتن معتمد معاف کرد.

این فعال حوزه نابینایان کشور با بیان این مطلب که ما در تمام سال‌های گذشته مشکلاتی را با سیستم بانکی کشور داشته‌ایم، اضافه کرد: یکی از مهم‌ترین مشکلات ما این است که بانک مرکزی بعضاً اقدام به صدور بخشنامه‌هایی می‌کند که نتیجه آن در اثر عدم دریافت مشاوره از تشکل‌های معلولان به محدودیت معلولان و نابینایان دامن می‌زند.

وی افزود: ما اطمینان داریم که سیستم بانکی کشور قصد محروم کردن افراد نابینا از انجام عملیات بانکی را ندارد اما واقعیت این است که این بخشنامه‌ها چون غیرکارشناسی صادر می‌شوند بنابراین تخصصی و مبتنی بر حفظ کرامت افراد نبوده و همه جوانب را دربرنمی‌گیرند و چه بسا گاه دیده می‌شود بانک در انجام امور ساده بانکی -مانند برداشت حقوق ماهانه- افرادی را ملزم به داشتن «امین» می‌کند که آنها استاد دانشگاه یا مدیر معتبری در حوزه کاری خود هستند اما بانک با این روند به شأن و حریم خصوصی آنان توجه نمی‌کند و متأسفانه روند صدور این نوع بخشنامه‌ها کماکان ادامه دارد.

معینی از عدم انطباق بخشنامه‌های بانک مرکزی با تجارب جهانی به‌عنوان مشکل بعدی سیستم بانکی یاد کرده و می‌گوید: امروز در دنیا برای ارائه خدمات مطلوب به معلولان تجارب مشخصی وجود دارد و راهکارهایی پیش‌بینی شده که هم حقوق افراد حفظ شود و هم حفاظت از آنان به‌عمل آید. یکی از این روش‌ها داشتن کلیشه امضاست که امکان ارائه امضای یکسان به نابینایان را می‌دهد. به گفته مدیرعامل شبکه چاوش یکی دیگر از مشکلات نابینایان عدم اطلاع شعب بانکی از بخشنامه‌ها و به دنبال آن اعمال برخوردهای سلیقه‌ای است. در بسیاری از مواقع مدیران و کارکنان شعب در مواجهه با مشتریان نابینا از وجود برخی قوانین و بخشنامه‌ها اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و این گله‌مندی متوجه بانک مرکزی می‌شود که چرا برای آگاهی‌بخشی به شعب و پیشگیری از رفتارهای سلیقه‌ای با نابینایان مکانیسم واحدی ندارد؟

معینی با تأکید بر این مطلب که حساسیت بانک‌ها در ارائه خدمات مطلوب به افراد نابینا باید بالا برود، گفت: طبق اظهارات آقای مجتبی شاکری از اعضای سابق شورای شهر تهران، سیستم بانکی در پاسخ به عدم صدور کارت ای‌تی‌ام برای او اعلام کرده که به دلیل آسیب چشم و دست او در جنگ قادر به تأیید اثر انگشتش نیست؛ این در حالی است که روش‌های دیگری مانند چهره‌نگاری می‌تواند این خلاء را پر کند، در همه جای دنیا بانک‌ها به دنبال مشتری‌مداری هستند و هنر سیستم بانکی



گزارشی از مشکلات بیماران دیستروفی



جمعیت ۴۰ هزار نفره بیماران دیستروفی عضلانی از دولت هزینه مراقبت نمی گیرند

در صورتی که خانواده این مسئولیت را به عهده بگیرد دولت وظیفه دارد حقوق و مزایایی مربوط به نگهداری از آن فرد را به خانواده او بپردازد. این روش علاوه بر ایجاد شغل در جامعه، موجب حفظ کرامت انسانی معلولان و همچنین رونق توانبخشی مبتنی بر جامعه می شود.

اما در کشور ما چنین نیست. بسیاری از معلولان با وجود شدت معلولیت حتی حق پرستاری نیز دریافت نمی کنند چون به عقیده مسئولان سازمان بهزیستی این اعتبار فقط برای افراد ضایعه نخاعی منظور شده است.

یکی از این گروهها بیماران دیستروفی عضلانی هستند. جمعیت این بیماران در کشور به حدود ۴۰ هزار نفر می رسد. مبتلایان به این بیماری رفته رفته بخش اعظم توان حرکتی خود را از دست می دهند به طوری که حتی برای یک جابجایی کوچک نیز نیازمند اطرافیان می شوند، با این حال سازمان بهزیستی آنان را در زمره افراد دریافت کننده حق پرستاری قرار نمی دهد چون با وجود تصریح قانون

که از بهزیستی دریافت می کنند می گذرد، این درحالی است که آنها به علت بیماری و نیاز مداوم به دارو و درمان هزینه های بالایی دارند.

با این حال سازمان بهزیستی به این دخترها و حتی به خواهرشان مرضیه که خود را وقف نگهداری از خواهران دارای معلولیتش کرده، حق پرستاری نمی پردازد. نگاه مسئولان سازمان بهزیستی آنقدر خشک و بدون انعطاف است که حتی در موارد استثنایی هم حاضر به ایجاد اندکی تغییر در عملکرد خود نیستند و گله مندی عمیق تر این است که این مسئولان حتی از انعکاس واقعیت های دردناکی مانند این مورد به مراجع بالادست نیز امتناع می کنند. شاید برای همین است که در جغرافیای این سازمان دردهای به این اندازه بحرانی هستند و در بسیاری مواقع کار از درمان گذشته است.

هزینه مراقبت از معلولان شدید وظیفه دولت است در بسیاری از کشورها دولت، نگهداری و مراقبت از افراد دارای معلولیت را وظیفه خود می داند و

افسانه، مریم و الناز سه خواهر مبتلا به دیستروفی عضلانی هستند. آنها به ترتیب ۳۴، ۳۰ و ۲۶ سال دارند و همراه مرضیه، خواهر بزرگتر و احمد، برادر کوچکشان با هم در خانه پدری شان در قزوین زندگی می کنند. بیماری دیستروفی در این خانواده قربانیان زیادی گرفته. یک خواهر دیگر این خانواده نیز پس از ازدواج و بچه دار شدن متوجه بیماری اش شده و حالا با آن درگیر است.

مادر این دخترها سالها پیش از دنیا رفته و پدرشان پس از ازدواج مجدد، جدا از آنها زندگی می کند.

مرضیه خواهر بزرگتر این خانواده ۴۵ سال دارد، او برای آنکه بتواند از خواهرانش مراقبت کند ازدواج نکرده و قید زندگی خودش را زده است. مرضیه حتی در هفته یک ساعت هم نمی تواند برای خودش وقت بگذارد. او مدت هاست دیگر هیچ دوستی ندارد و به دلیل مراقبت تمام وقت از خواهرانش، همه ارتباطش با بیرون از خانه قطع شده است.

زندگی این دخترها از راه یارانه و مستمری

مشکلات بیماران دیستروفی برای دولت جدی نیست

رییس انجمن دیستروفی ایران تأکید می‌کند: دیستروفی یک بیماری ژنتیکی است که عضلات بدن فرد را درگیر می‌کند و منجر به معلولیت جسمی و حرکتی می‌شود، درمان قطعی ندارد و پیشرونده است اما با کاردرمانی و فیزیوتراپی می‌توان تا حدودی پیشرفت بیماری را کند کرد. حیدری اضافه می‌کند: دستگاه‌های تنفسی، داروهای مصرفی، آزمایشات و نیازهای توانبخشی بیماران مبتلا به دیستروفی تحت پوشش بیمه



نیست و ما با وزارت بهداشت و سازمان‌های بیمه‌گر در خصوص مشکلات این گروه مذاکره و نامه‌نگاری کرده‌ایم اما این وزارتخانه و سازمان‌های بیمه‌گر نسبت به مشکلات بیماران دیستروفی ناشنا هستند.

این مسئول بیان می‌کند: در گذشته دستگاه‌های تنفسی این بیماران را خودمان تهیه می‌کردیم اما در حال حاضر رقم این دستگاه‌ها به ۸۰ میلیون تومان رسیده که انجمن و خانواده‌ها دیگر قادر به تهیه آن نیستند.

به گفته این مسئول دولت، سازمان‌های بیمه و وزارت بهداشت این مسئله را در حالی جدی نگرفته‌اند که طبق ماده ۶ قانون جامع حمایت از معلولان، وزارت بهداشت مکلف است پوشش بیمه سلامت افراد دارای معلولیت تحت پوشش سازمان را به گونه‌ای تأمین کند که علاوه بر تأمین خدمات درمانی مورد نیاز این افراد، خدمات توانبخشی جسمی و روانی آنان نیز تحت پوشش قرار گیرد.

سازمان بهزیستی مکلف است با هدف حمایت از نگهداری و مراقبت افراد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید نیازمند و افراد دچار معلولیت‌های چندگانه نیازمند در خانواده پس از ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به خانواده‌ها نسبت به پرداخت حق پرستاری یا مددکاری به سرپرست، همسر یا قیم این افراد اقدام کند و یا خدمات مراقبتی و نگهداری از افراد دارای معلولیت را از طریق مراکز وابسته به خود یا حمایت از مراکز غیردولتی (خصوصی، تعاونی، خیریه و تشکل‌های مردم نهاد) ارائه دهد»، این در حالی است که

جامع بر پرداخت حق پرستاری به معلولان شدید، گویا تفسیر این سازمان از معلولان شدید، فقط افراد آسیب‌دیده نخاعی هستند.

شاید اگر همه مسئولان اعم از مدیران بهزیستی در تمام استان‌ها در انتقال وضعیت خاص برخی از مددجویان به مسئولان کشوری کوشا باشند این مسائل در بُعد کشوری چاره‌اندیشی شود اما مسأله اینجاست که آنها مشکلات را به بیرون از چهارچوب استان خود منعکس نمی‌کنند و به موازات آن این موارد از چشم مسئولان کشوری و همچنین قوانین نیز پنهان باقی می‌ماند.

هزینه فیزیوتراپی و کاردرمانی نداریم

افسانه و مریم می‌گویند: پس از سال‌ها ترک تحصیل و خانه‌نشینی سال گذشته تصمیم گرفتیم در رشته آی‌تی ادامه تحصیل دهیم. اما از آنجا که برای رفت و آمد و حتی برای نشستن روی ویلچر به کمک برادرمان نیاز داریم و او هر روز نمی‌تواند ما را به دانشگاه ببرد بنابراین با اساتید دانشگاه صحبت کردیم و همگی پذیرفتند که گاهی به دانشگاه برویم و با گرفتن جزوات از سایر همکلاسی‌هایمان در خانه درس بخوانیم. حالا برادرمان احمد هر چند روز یکبار مرخصی می‌گیرد و من و خواهرم را از پله‌ها پایین می‌برد، روی ویلچر می‌نشانند تا پیاده ما را به دانشگاه برساند.

مریم اضافه می‌کند: نیاز حرکت دست‌هایش را از دست داده با این حال من و هر دو خواهرم برای حفظ باقیمانده توان اندام‌های حرکتی‌مان باید به صورت مرتب از فیزیوتراپی و کاردرمانی استفاده کنیم چون در غیر اینصورت همین اندک حرکت را هم از دست می‌دهیم. اما نه هزینه فیزیوتراپی برای سه نفر را داریم و هزینه رفت و آمد آن را. اگر هم بخواهیم فیزیوتراپ را به خانه بیاوریم هزینه‌ها آنقدر بالا می‌رود که از عهده‌اش بر نمی‌آییم.

بدون برادرم در خانه حبس می‌شویم

افسانه بیان می‌کند: انجام همه امور خانه و کارهای شخصی ما سه نفر به عهده خواهرمان مرضیه است. او از صبح تا شب مرتب به امور خانه رسیدگی می‌کند و در اثر انجام کارهای سخت و گاهی بلند کردن ما بدن خودش هم آسیب دیده است.

وی می‌افزاید: این خانه ارنیه پدری است و همه ۱۰ خواهر و برادرمان از آن سهم دارند. اگر بهزیستی در طرح مسکن‌دار کردن خانواده‌های دارای دو عضو معلول بتواند به ما هم خانه‌ای بدهد خیال ما از این بابت راحت می‌شود.

افسانه بیان می‌کند: چند فرد خیر می‌خواستند در ساختمان برای ما بالابر نصب کنند اما برادر بزرگترمان مخالفت کرد و گفت این خانه تنها برای ما سه دختر نیست، به همین علت این اقدام صورت نگرفت و اگر برادر کوچکمان نباشد ما در خانه حبس می‌شویم.

عمل به قانون از کدام مسیر می‌گذرد؟

«طبق ماده ۷ قانون جامع حمایت از معلولان،

معاون توانبخشی بهزیستی استان قزوین می‌گوید: حق پرستاری تنها به معلولان دارای آسیب‌نخاعی تعلق می‌گیرد و بیماران دیستروفی عضلانی مشمول دریافت این هزینه نمی‌شوند. اگر مبنای عملکرد سازمان بهزیستی «قانون» است، باید گفت قانون بر پرداخت هزینه مراقبت و نگهداری از معلولان شدید و خیلی شدید بدون توجه به نوع آن تأکید دارد اما اگر عمل به قانون از مسیر تفسیرهای شخصی می‌گذرد متأسفانه باید تصریح کرد که امیدی به بهبود وضعیت زندگی بیماران دیستروفی نیست.

۴۰ هزار بیمار مبتلا به دیستروفی در کشور داریم رییس انجمن دیستروفی ایران از وجود حدود ۴۰ هزار بیمار مبتلا به دیستروفی در ایران خبر داده و می‌گوید: از این تعداد یک هزار و ۵۰۰ نفر شناسایی و به عضویت انجمن دیستروفی درآمده‌اند. رامک حیدری شیوع این بیماری را بیشتر در تهران و هر نقطه‌ای از کشور دانست که در آن ازدواج فامیلی بیشتری اتفاق بیفتد چون در ازدواج‌های فامیلی انتقال بیماری‌های ژنتیک بیشتر می‌شود.

گفتگوی پیک توانا با یکی از پرسنل خوشروی کانون توانا

حس کمک به هموعانم، مرا در کانون ماندگار کرد



او اضافه می‌کند دیستروفی تقریباً یک بیماری خاموش است که در ابتدا با یک علامت خستگی معمولی نمایان می‌شود اما رفته‌رفته با ضعف در تمامی عضلات نمود پیدا می‌کند طوری که فرد در انجام برخی امور زندگی دچار مشکل می‌شود.

عدم باور افراد دارای معلولیت

با پیشرفت معلولیت‌م نگاه اطرافیان کاملاً مشهود و عجیب بود، پذیرش و حتی باور این شرایط برای خانواده‌ام در ابتدا بسیار سخت بود و آن‌ها تلاش می‌کردند تا هر طور که شده سلامتی را به من برگردانند ولی با اتمام حجت پزشکان مختلف مبنی بر عدم وجود هر گونه دارو و درمانی برای بیماری دیستروفی وارد مرحله جدیدی از زندگی به همراه با این بیماری شدم، بنابراین تصمیم گرفتم با ارتباط گرفتن با سایر معلولان و افرادی که مبتلا به دیستروفی هستند اطلاعات زیادی را در این زمینه کسب کنم و با معلولیت‌های مختلف آشنا شوم.

پس از طی ۴ سال موفق شدم با قبول شرایط فعلی به خانواده‌ام نیز امید و اعتماد به نفس بدهم تا آن‌ها نیز پذیرای وضعیت جدید فرزندشان باشند که این امر بدون تلاش و کوشش خود من امکان‌پذیر نبود تا اینکه با ورود به دانشگاه و حتی اشتغال توانستم کمی نگاه اطرافیان را تغییر دهم و امروز که به عنوان کارشناس مترجم زبان و همچنین کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و علوم سیاسی هستم باید اضافه کنم با وجود اینکه در دنیای امروز من هم همانند بقیه افراد توانسته‌ام فرد مفیدی برای جامعه باشم اما هنوز هم عدم باور ما افراد دارای معلولیت وجود دارد.

از مهم‌ترین دلایل ماندگاری من در کانون توانا، حس کمک به هموعان به ویژه کودکان دارای معلولیت است

تا به امروز انواع مختلفی از معلولیت‌ها با نام‌های عجیب‌وغریب به گوشمان خورده است، حتی گاهی پیش آمده که برای اولین بار با این نوع از نام‌ها مواجه می‌شویم، در این میان بیماری‌ای گریبان‌گیر عده‌ای از افراد می‌شود که گویی عزمش را جزم کرده تا آسیب جبران‌ناپذیری به زندگی فرد وارد کند، شاید بهتر است بگویم قدرتش هم بسیار زیاد است؛ نامش دیستروفی عضلانی است که امروزه در فضای مجازی و حقیقی بازار داغی دارد زیرا باید بگویم مبتلایان به این بیماری افرادی بسیار باهوش، هنرمند، نخبه، تحصیل‌کرده و... هستند به همین دلیل توانسته‌اند جایگاه محکمی در جامعه داشته باشند و با روحیه جنگجویانه تسلیم این بیماری‌ها نشوند، نمونه بارز از این افراد دختری با نام «معصومه آمدی» یکی از اعضای کانون معلولین تواناست، او نیز از نوجوانی مبتلا به بیماری دیستروفی عضلانی از نوع «فاسیو اسکاپولو» است، نوعی معلولیت که به دلیل کمبود پروتئینی به نام «دیستروفین» که موجب ضعف عضله و پیشرفت بیماری بنا به نوع دیستروفی و محیط زندگی فرد می‌شود.

بیماری خاموش

معصومه متولد هفتم مهر سال ۱۳۶۰ و اولین فرزند خانواده است، او یک خواهر و دو برادر کوچکتر از خود دارد و اکنون ساکن شهر زیبای شهر استان قزوین می‌باشد، او می‌گوید: در سن ۱۴ سالگی کم‌کم متوجه نشانه‌های اولیه این بیماری شدیم و با مراجعه به پزشکان مختلف به نوع معلولیت پی بردیم،

کانون توانا حامی کودکان است

یکی از مفیدترین فعالیت‌هایی که کانون توانا آن را در اولویت و رأس قرار داده است پرداختن به کودکان دارای معلولیت و خانواده‌های آن‌هاست، چرا که فرهنگ سازی از کودکی نهادینه می‌شود؛ کنار آمدن با مقوله ی معلولیت نه تنها برای خود کودک بلکه برای خانواده او نیز کار ساده ای نیست و صرفاً از راه آموزش و حضور اجتماعی می‌توان این فقدان را به حداقل رساند کانون توانا نیز حامی تحصیلی این کودکان است.

یکی دیگر از ویژگی های بارز این مجموعه پرداختن به امور فرهنگی جهت حضور پر رنگ معلولین در جامعه و تلاش برای اجرایی شدن قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت و تقویت استقلال این قشر از جامعه است.

گوش شنوا هستم

تا به امروز تلاش کرده‌ام گوش شنوای خیلی از افراد باشم و در کنار ارتباط گرفتن با آن‌ها تلاش بی وقفه‌ام بر پایه این بوده است که با انتقال انرژی مثبت بتوانم از تجربه‌های آن‌ها استفاده کنم.

با وجود اینکه معلولیت جزئی از وجود من شده است اما لازم است بگویم معلولیت را دوست ندارم و آرزویم تندرستی و سلامت کامل برای همه هم‌نوعانم است؛ به عنوان یک فرد دارای معلولیت در هنگام رویارویی با این افراد، محدودیت آن‌ها را نمی‌بینم و فقط به دنبال زیبایی و استعداد آن‌ها هستم زیرا معلولیت همیشه مانند یک زنگ هشدار است که بگوید دلخوش به یک وضعیت نباش؛ بنابراین من نیز هیچ وقت ثابت نمانده‌ام و همیشه برای پیشرفت جنگیده‌ام البته گاهی سنگ‌های موجود بر سر راه مسیر زندگی‌ام جلوی سرعت و انگیزه‌ام را گرفتند ولی ناامید نشدم.

با در نظر گرفتن همه جوانب ازدواج کردم

ازدواج یک امر طبیعی است و بهتر است با شناخت و صداقت صورت بگیرد طوری که افراد دارای معلولیت باید صادقانه همه مسائل را با خانواده‌ها در میان بگذارند و در همان اولایل آشنایی انتظارات و توقعات و نوع معلولیت‌ها بیان شود؛ اگر چنانچه یکی از زوجین تندرست است بهتر است از همان ابتدا در جریان این محدودیت‌ها باشد و این ازدواج با نگاه ترحم آمیز صورت نپذیرد؛ یک فرد معلول باید قبل از ازدواج ابتدا شناخت کامل از خود و توانایی‌هایش اما نه صرفاً رویاهایش داشته باشد به عنوان مثال رسیدگی به امور منزل و تمام مسؤلیت‌هایی که از عهده آن بر می‌آید یا حتی برعکس آن.

من نیز با در نظر گرفتن تمامی این موضوعات و جوانب آن در سال ۱۳۹۴ ازدواج کردم و همسرم تندرست هستند، در زندگی مشترکی که تا به امروز هر دو برای تقویت آن تلاش کرده‌ایم تنها عاملی که موجب آرامش و سلامت زندگی ما شده است حس مسؤلیت دوجانبه بین ما دو نفر است؛ قطعاً در تمامی زندگی‌های مشترک سختی‌ها و مشکلاتی وجود دارد و زندگی ما نیز از این قاعده مستثنی نیست، من و همسرم در طی این ۴ سال زندگی مشترک توانستیم تجربه‌های مفیدی را برای مدیریت مشکلات زندگی کسب کنیم.

صحبت پایانی

در تصور من روزی خواهد رسید که افراد دارای معلولیت به حق قانونی خود دست یافته و دیگر استثمار نمی‌شوند و همچون کشورهای جهان اول از انواع مزایا و اختیارات برخوردار می‌شوند و این موضوع دور از انتظار نخواهند بود آن وقت است که می‌توانیم بگویم معلولیت یک نقص نیست بلکه یک رخداد طبیعی است.

«معلولیت، مبارزه جسورانه یا شجاعت در مواجهه با سختی نیست، معلولیت یک هنر است. یک راه هوشمندانه برای زندگی»

نیل مارکوس

Disability is not a brave struggle or 'courage in the face of adversity.'

.Disability is an art. It's an ingenious way to live

با جستجو در بسیاری از سایت‌های خارجی متوجه راه‌حل‌های مختلفی شدم که بر روی بیماران زیادی انجام شده بود و همه آن آزمایش‌ها فاقد نتیجه و موفقیت بودند، بنابراین تصمیم گرفتم معلولیت‌م را آن‌گونه که هست بپذیرم و از تمام توانایی‌ها و استعدادهایم برای پیشرفت خود استفاده کنم.

ابتدا از فیزیوتراپی برای جلوگیری از روند پیشرفت بیماری کمک گرفتم اما به دلیل عدم آشنایی فیزیوتراپ با نوع درمان دیستروفی و نحوه رفتار با عضلات این دسته از بیماران بر شدت معلولیت‌م افزوده شد به همین دلیل از ادامه درمان منصرف شدم، انتخاب دوم رفتن به باشگاه بدنسازی بود، تمرینات در کوتاه‌مدت مفید واقع شد اما در بلندمدت به دلیل انقباضات طولانی مدت عضله و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی ورزش کردن با این رویه را نیز رها کردم.

مادرم دلیل اصلی حضورم در کانون بود

سال ۱۳۸۷ برای اولین بار وارد کانون شدم؛ قبل از فعالیت در کانون توانا در جاهای دیگر مشغول به کار بودم و در آخرین پروژه‌های که در آن کار می‌کردم مدیر پروژه پیشنهاد داد تا سری به کانون معلولین توانا بزنم و از نزدیک آن مکان را ببینم؛ در ابتدا تصور می‌کردم این مجموعه برای نگهداری افراد دارای معلولیت تأسیس شده است اما در واقع این‌طور نبود، به اصرار مادرم تصمیم گرفتم وارد این محیط شوم.

در روزهای اول کتابخانه‌ای در آنجا نظرم را جلب کرد و شروع ارتباطم با عضویت در کتابخانه و نشریه توانا آغاز شد؛ به پیشنهاد دو تن از فعالان نشریه، به عنوان دبیر سرویس علمی مجله انتخاب شدم و با اشتیاق پذیرفتم تا اطلاعات جامعه هدف را در این زمینه افزایش دهم و تا به امروز موفق شده‌ام با تکنولوژی روز برای افراد دارای معلولیت در خدمت سرویس علمی مجله باشم. در کنار این فعالیت مدیریت سایت مجموعه توانا را نیز به من سپردند تا اینکه با گذشت یک سال توانستم سایت انگلیسی کانون توانا را راه‌اندازی کنم و در همان سال، اولین کتاب به نام «برقراری ارتباط بین مریخی‌ها و ونوسی‌ها» اثر روانشناس معروف دکتر «جان کری» را ترجمه کنم و خوشبختانه اکنون این کتاب به صورت صوتی و فایل «پی‌دی‌اف» در دسترس عموم قرار دارد و همچنین بعد از آن ۴ جلد کتاب دیگر را نیز ترجمه کرده‌ام که فقط یکی از کتاب‌هایم به چاپ و نشر رسیده است.

اما فعالیت من به این نقطه منتهی نشد و به دلیل تحقیق و مطالعه‌ای که قبل از ورودم به کانون در زمینه سازمان‌های معلولین و بخش‌های مختلف سازمان ملل داشتم تصمیم گرفتم برای اولین بار واحد بین‌الملل را در این مجموعه راه‌اندازی کنم و تحقیقاتم را به ثمر بنشانم تا بتوانم با افتخار کانون توانا را برای اولین بار عضو دپارتمان اطلاعات همگانی سازمان ملل کنم. همچنین موفق شدم مقام مشورتی ویژه «اکوسوک» از سازمان ملل را برای کانون توانا کسب کنم؛ چندین فعالیت مختلف در این زمینه از جمله مواردی هستند که شاید بتوان نام موفقیت را بر آن‌ها نهاد؛ پس از گذشت چندین سال هم اکنون در واحد روابط بین‌الملل و مجله پیک توانا مشغول به کار هستم و در مدیریت محتوای سایت انگلیسی و لینکین کانون توانا فعالیت می‌کنم.

از مهمترین دلایل ماندگاری من در این مجموعه حس کمک به هم‌نوعان و به ویژه کودکان دارای معلولیت بوده است.

قضاوت دیگران مهم نیست

قرار گرفتن در کنار هم‌نوعانم موجب شد تا قوت قلب بگیرم و به این باور برسیم که تنها فرد دارای معلولیت بر روی زمین نیستیم و مهم نیست که دیگران چگونه در مورد راه رفتن من فکر می‌کنند یا حتی چگونه مرا می‌بینند و قضاوت می‌کنند مهم نگرش و دیدگاه خودم به زندگی بوده و است، می‌توانم بگویم نگرش صحیح در محیطی همچون کانون توانا به معنای واقعی قابل تحسین است زیرا قدمت چندین ساله‌اش بر پایه تغییر دیدگاه‌های غلط جامعه بوده و خواهد بود؛ اگر بخوایم کانون توانا را توصیف کنم می‌گویم کانون دریایی‌ست پر تلاطم و سرشار از امواج زیبا و ما همان موجی هستیم که آرام نمی‌گیریم.

تناقض‌های چند هزار میلیاردی آقای وزیر!

ما هیچ، ما نگاه

آیا منطق اقتصادی وزیری که در مراسم گرمی‌داشت روز جهانی معلولان در سالن همایش برج میلاد (بر اساس خبر درج شده در خبرگزاری مهر در تاریخ ۹ آذر سال جاری) اجرای قانون جامع را نیازمند ۱۵ هزار میلیارد تومان اعتبار اعلام می‌کند و تنها سه روز بعد در نشست سه‌ساعته با جمعی از نخبگان دارای معلولیت (بر اساس خبر خبرگزاری میزان در تاریخ ۱۲ آذر ماه)، اجرای این قانون را در گرو تأمین ۲۰ میلیارد تومان قلمداد می‌کند جای سوال ندارد و آیا این فرد با تکیه بر سواد و دانش خود می‌تواند زندگی معلولان را سامان دهد؟

اگر جا افتادن کلمه «هزار» را از رقم ۲۰ میلیارد تومان به حساب اشتباه خبرنگار بگذاریم با این حال باز هم بین ۱۵ تا ۲۰ هزار میلیارد تومان مدنظر آقای وزیر، ۵ هزار میلیارد تومان اختلاف است که اگر حتی درصد ناچیزی از برآوردهای مالی آقای وزیر از این قاعده وی تبعیت کند، باید فاتحه عاقبت به‌بخیر شدن معلولان را در این کشور خواند...

حالا فردی که یک‌حواص‌پرتی‌اش ظرف سه روز ۵ میلیارد تومان آب می‌خورد از عدم تخصیص بودجه کافی برای اجرای قانون جامع خطاب به مردم و رسانه‌ها ابراز ناراحتی می‌کند.

کسی که شاید حتی حواسش به جایگاه خودش هم نیست و نمی‌داند از چه کسی گله‌مندی می‌کند، نگران سرنوشت اجرای قانونی است که حتی گزارشی از تلاش‌های خود در راستای رفع این مشکل ندارد!

برای وزیری که با مطرح کردن این مشکل با هم‌ترازان خود در هیادولت بسیار راحت‌تر می‌تواند راهکاری برای رفع آن بیابد شاید لازم باشد جمعی از مددجویان سازمان وساطت کنند تا رئیس‌جمهوری یا معاونان وی فرصتی به شنیدن صحبت‌هایش اختصاص دهند؟

آقای وزیر شما و بسیاری از مسئولانی که مدافع سرسخت اشاعه امید در جامعه هستید و با نشر هرگونه خبری مبنی بر تسری یأس در جامعه مخالفت کرده و با انتشار دهندگان مقابله می‌کنید؛ اگر خواهان واقعی رفع مشکل بودجه مورد نیاز قانون جامع هستید آیا نمی‌توانید به‌جای عزاداری رسانه‌ای و سرایت دادن حجم بالای از ناامیدی و نگرانی به کل جامعه؛ این مسأله را در هیأت دولت مطرح و راهکاری برای خروج از آن اتخاذ کنید؟

آیا شما که از کمبود بودجه قانون جامع گله‌مندید تضمین می‌دهید که سازمان بهزیستی در سال پیش‌رو مشکل بودجه‌ای نخواهد داشت؟

آیا اگر بگوییم «کمبود قانون بهانه خوبی برای فرار رو به جلو و عدم اجرای کامل آن شده است» بی‌انصافی کرده‌ایم؟

آیا برآوردهای ناقص این دست از مدیران و چرتکه‌های قدیمی‌شان که در هر حساب‌و‌کتاب چندین هزار میلیارد تومان اختلاف حساب به بار می‌آورد و هیچ مرجعی موظف به نظارت بر آن نیست؛ حتی خود دولت را در برنامه‌ریزی و هدف‌گیری به اشتباه نمی‌اندازد؟

آقای وزیر حواستان کجاست؟

راستی ۵ هزار میلیارد تومان چند تا صفر دارد؟

اگر این امر بدیهی مورد قبول همه ما از جمله شخص وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشد که بودجه مورد نیاز دولت، پیش از آنکه توسط مجلس بررسی، تصویب یا رد شود، توسط ارکان خود دولت تعیین و ارزیابی و سپس به مجلس ارسال می‌شود، پس باید این را هم بپذیریم که در واقع این ارکان و اعضای هیأت دولت هستند که با تکیه بر تخصص خود، با توجه به وضعیت کشور و پروژه‌ها و طرح‌هایی که اجرای آن را برای سال مالی آینده در دست دارند و احتمالاً به کمک معاونان و مشاوران حاذق خود بودجه مورد نیاز حوزه فعالیت خود را تخمین زده و سپس آن را با اصول علمی ارزیابی می‌کنند و با توجه به تورم، ارکان اقتصادی و مالی موجود و بودجه سال قبل آن را پیش و در نهایت رقم موردنیاز را معین کرده و به تصویب هیأت دولت می‌رسانند تا پس از طی مراحل لازم نهایتاً به مجلس ارسال شود.

حالا اگر این دو مورد را پذیرفته باشیم قطعاً این مورد را نیز باید قبول کنیم که بودجه مورد نیاز وزارت رفاه نیز پس از گذراندن مراحل بالا، در نهایت توسط شخص وزیر تأیید و پس از آن به هیأت دوات اعلام می‌شود تا پس از چک‌ش‌کاری‌های لازم و کم و زیاد شدن نسبی، در لایحه بودجه گنجانده شود.

در واقع ما با قبول این سه مطلب این نکته را نیز پذیرفته‌ایم که وزیر رفاه در تعیین بودجه مربوط به وزارت‌خانه متبوع خویش نهایت تلاش، تخصص و مشاوره را به کار می‌گیرد تا برای دستیابی به اهداف و پوشش خواسته‌های جامعه هدف، بودجه‌ای کامل و جامع، تدوین شود.

حالا اگر این موارد را قبول کرده باشیم، پس دیگر نمی‌توانیم قبول نداشته باشیم که کسری بودجه سازمان‌های زیرمجموعه وزارت رفاه و به‌طور اخص سازمان بهزیستی از کم‌کاری و یا حواس‌پرتی آقای وزیر نشأت می‌گیرد. چرا که پیش‌تر به نحوه تعیین بودجه مورد نیاز دولت نگاهی اجمالی انداخته و اثبات کرده‌ایم که پیش از مجلس؛ هیأت دولت و پیش از هیأت دولت وزرا و معاونان رئیس‌جمهوری بودجه موردنیاز خود را معین می‌کنند.

بنابراین با تأیید موارد مذکور، با قاطعیت می‌توان گفت کسری بودجه سازمان بهزیستی یا نتیجه عدم شناخت کافی و بی‌تخصصی وزیر در امور معلولان است یا نتیجه فقدان مشاوران کاربلد و یا ناشی از بی‌اهمیتی این سازمان و جامعه هدف آن برای شخص وزیر!

در واقع آقای وزیر با رویه فعلی خود در کمال شفافیت اثبات می‌کند وکیل همه‌جانبه‌نگری برای معلولان نیست و از فراز و فرود زندگی این افراد و عمق وظایف خود در قبال آنها شناخت قابل‌اعتنایی ندارد و متأسفانه همین ویژگی‌ها در تنظیم بودجه سال آینده این سازمان نیز دخیل و صادر کننده نظر نهایی بوده است.

وزیر رفاه حتی در مقام دفاع از معلولان و اعتراض به ناکافی بودن بودجه لازم برای اجرای قانون جامع حمایت از معلولان نیز دچار فقدان تمرکز و شتاب‌زدگی است و این روند که حاکی از عدم تسلط وی بر جغرافیای معلولیت است، به مدیران و معاونان وی نیز تسری یافته است.

چراغ روشن

فعالیت های
کانون معلولین توانا



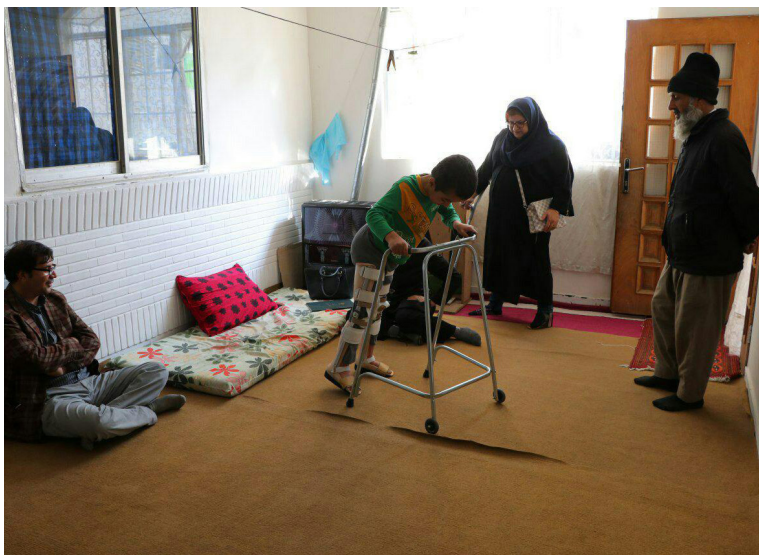


چراغ روشن



۱. بازدید نمایندگان سفارت استرالیا از مجموعه فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و کارگاهی تولیدی کانون معلولین توانا
۲. بازدید وحید رجب‌لو بنیادگذار استارت‌آپ توانیتو از گروه بهداشتی فیروز و نشست با بنیانگذار کانون توانا "سید محمد موسوی"
۳. دیدار از چند دانش‌آموز دارای معلولیت به مناسبت روز دانش‌آموز و رسیدگی به مشکلات وموانع راه تحصیل این عزیزان توسط مدیران کانون معلولین توانا
۴. مطالبه گری ورزشکاران معلول در حاشیه رونمایی از تیم والیبال شهرداری و شورای شهر قزوین
۵. بازدید دانش‌آموزان مدرسه دخترانه اندیشه‌ورزان از کانون معلولین توانا به مناسبت روز جهانی معلولان با هدف آشنایی از توانمندی‌های معلولان
۶. بازدید مدیران و پرسنل کانون معلولین توانا از نمایشگاه نقاشی شیما قلعه هنرمند دارای معلولیت به مناسبت روز جهانی معلولان
۷. استقبال از قهرمان و هیات همراه تیم بسکتبال با ویلچر فیروز قزوین در تورنمنت ارمنستان توسط کانون معلولین توانا و هیات ورزش جانبازان و معلولین استان
۸. نشست و تقدیر از فعالان و داوطلبین کانون معلولین توانا به مناسبت روز داوطلب
۹. نشست صمیمی اعضای شورای شهر و مدیران شهری با جامعه معلولین شهر قزوین به مناسبت روز جهانی معلولان
۱۰. حضور در دومین سمینار آشنایی با آخرین دستاوردهای فناوری توانبخشی و صندلی چرخ‌دار در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران
۱۱. برگزاری کارگاه آموزشی ویژه افراد آسیب نخاعی (زخم بستر) در کانون توانا به همت واحد درمان
۱۲. نشست و تقدیر از تلاشگران و دست اندرکاران کانون معلولین توانا در بیست‌ویکمین جشنواره تشویق دانش‌آموزان ممتاز
۱۳. برگزاری کارگاه آموزشی بازایی اطلاعات سازمان ملل در کانون معلولین توانا به همت واحد بین الملل و روابط عمومی
۱۴. دیدار رئیس شبکه ملی تشکل‌های معلولان جسمی حرکتی کشور با رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس
۱۵. بازدید دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی از مجموعه فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و تولیدی کارآفرینی کانون توانا و نشست در همین راستا
۱۶. میزبانی فینال رقابت‌های لیگ دسته اول بسکتبال با ویلچر مردان و قهرمانی تیم بسکتبال با ویلچر فیروز در این دوره
۱۷. تقدیر از پرستاران بیمارستان تامین اجتماعی و پرستاران داوطلب کانون معلولین توانا به مناسبت روز پرستار
۱۸. نشست با رئیس نظام مهندسی استان قزوین جهت هماهنگی برگزاری دوره‌های آموزشی مناسب‌سازی در طراحی و اجرای ساختمان‌های خصوصی و عمومی برای مهندسين عضو نظام

دیدار دوست از دانش آموز افغان دارای معلولیت به مناسبت روز دانش آموز



واحد دیدار دوست کانون معلولین توانا همزمان با گرامی‌داشت روز دانش‌آموز از منزل یک دانش‌آموز افغان دارای معلولیت بازدید کرد. این دانش‌آموز که از ناحیه هر دو پا دارای معلولیت جسمی-حرکتی است مشکلات مربوط به معاش، تحصیل و حضور اجتماعی خود را با کانون توانا در میان نهاد و خواستار رسیدگی به آن شد. در این دیدار مدیران کانون توانا ضمن بررسی مشکلات آموزشی دانش‌آموزان دارای معلولیت و خانواده‌های آنها قول دادند مشکلات این دانش‌آموز را در اسرع وقت پیگیری و مورد بررسی قرار دهند. همچنین مقرر شد این دانش‌آموز افغان از خدمات ورزشی کانون توانا و هیأت ورزشی جانبازان و معلولین برخوردار شده و با حمایت کانون توانا به فعالیت‌های ورزشی بپردازد تا زمینه حضور اجتماعی وی نیز فراهم شود. گفتنی است کانون توانا خدمات آموزشی، رفاهی، درمانی و اجتماعی خود را بدون تبعیض در اختیار کودکان و دانش‌آموزان مهاجر و دارای معلولیت قرار می‌دهد. همچنین لازم به ذکر است حدود ۴۰۰ کودک دارای معلولیت تحت حمایت تحصیلی و آموزشی کانون توانا قرار دارند.

نخستین دوره جام حذفی والیبال نشسته کشور به کار خود پایان داد



نخستین دوره جام حذفی والیبال نشسته کشور با قهرمانی تیم البرز و نایب قهرمانی تیم فیروز قزوین به کار خود پایان داد. به گزارش پیک توانا، اختتامیه نخستین دوره جام حذفی والیبال نشسته کشور به حضور حمید علی صمیمی رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین کشور ظهر امروز در سالن شهید بابایی قزوین برگزار شد. در این دوره از مسابقات تیم‌های البرز، فیروز قزوین و ایلخچی تبریز به ترتیب مقام اول تا سوم را کسب کردند. جام حذفی والیبال نشسته کشور با حضور استان ۶ استان به میزبانی استان قزوین طی سه روز از ۲۳ تا ۲۵ مهر ماه برگزار شد. در مرحله نخست این رقابت‌ها ۱۵۴ تیم از سراسر کشور حضور داشتند که ۶ تیم از استان‌های اراک، مشهد، کرمانشاه، البرز، قزوین و تبریز به مرحله نهایی راه پیدا کردند.

همه ورزشکاران دارای معلولیت برنده مسابقات هستند



تمام مسئولان هیأت‌های ورزش‌های جانبازان و معلولان استان‌ها برای فراهم کردن زمینه حضور و شرکت ورزشکاران دارای معلولیت در این دوره از مسابقات قدردانی کرد.

رئیس هیأت ورزش‌های جانبازان و معلولان استان قزوین همه ورزشکاران دارای معلولیت را برندگان نهایی مسابقات دانست. به گزارش پیک توانا؛ سید محمد موسوی در مراسم اختتامیه جام حذفی والیبال نشسته کشور اظهار داشت: تمام ورزشکارانی که در این دوره از مسابقات شرکت کردند برنده مسابقات هستند. وی افزود: همین که امروز جمع زیادی از ورزشکاران در کنار هم جمع شده و برای دستیابی به اهداف خود تلاش می‌کنند نشان از برنده بودن همه آنها دارد، ورزشکاران دارای معلولیت امروز جمع شده‌اند تا به جامعه بگویند آنها علی‌رغم تمام محدودیت‌ها و تبعیض‌ها در جامعه حضور دارند. موسوی ادامه داد: ورزشکاران معلول و جانباز بهترین گوی، پزشک و دارو برای آن قشر از عزیزان دارای معلولیت هستند که متأسفانه به دلیل معلولیت با افسردگی دست و پنجه نرم می‌کنند. وی ضمن تشکر از حضور رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین کشور در اختتامیه این دوره از مسابقات، تأکید کرد: در زمان مدیریت دکتر صمیمی، ورزش افراد دارای معلولیت شکوفایی بسیاری پیدا کرده است. رئیس هیأت ورزش‌های جانبازان و معلولان استان قزوین در انتها از زحمات

تیم بسکتبال با ویلچر فیروز در دومین رقابت‌های بین‌المللی ارمنستان به جایگاه نخست رسید



تیم بسکتبال با ویلچر فیروز قزوین در دومین رقابت‌های بین‌المللی ارمنستان و در اولین مسابقات برون‌مرزی خود با نتیجه ۶۱ بر ۱۵ بر رقیب ارمنستانی خود غلبه کرد و به جایگاه نخست رسید.

به گزارش پیک‌توانا؛ دبیر هیأت ورزش‌های جانبازان و معلولین استان قزوین در این خصوص گفت: در این رقابت‌ها چهار تیم دو تیم از ارمنستان، یک تیم از گرجستان و یک تیم از ایران حضور داشتند که در نهایت تیم فیروز قزوین توانست به مقام برتر مسابقات دست یابد.

سیروس ماله‌میری همچنین افزود: این تیم از یکسال پیش خود را برای این مسابقات آماده کرده بود و نتایج مسابقات حاکی از پتانسیل‌های بالای تیم است. ماله‌میری ادامه داد: بازیکنان تیم بسکتبال با ویلچر فیروز به لحاظ آمادگی جسمانی و همچنین برنامه‌ریزی آمادگی حضور در تورنمنت‌های بزرگتر را نیز دارند.

گفتنی است تیم بسکتبال با ویلچر باشگاه فیروز قزوین با دعوت فدراسیون ورزش‌های معلولین ارمنستان در دومین تورنمنت بین‌المللی این کشور حاضر شد و همچنین قرار است در دومین مرحله رقابت‌های لیگ دسته یک نیز شرکت کند.

صمیمی: میزبانی مطلوب قزوین یکی از بهترین جام‌های ورزشی جانبازان و معلولان را رقم زد



رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین کشور در مراسم اختتامیه جام حذفی والیبال نشسته کشور که به میزبانی قزوین برگزار شد، میزبانی هیأت ورزش‌های معلولین و جانبازان قزوین را بسیار مطلوب قلمداد کرد و نتیجه آن را برگزاری یکی از بهترین دوره‌های مسابقات جانبازان و معلولین خواند.

به گزارش پیک‌توانا؛ حمید علی صمیمی افزود: این دوره از رقابت‌ها با حضور ۱۵۴ تیم از سراسر کشور آغاز شد، در مرحله نخست این رقابت‌ها تیم‌ها به صورت شهری و منطقه‌ای به رقابت پرداختند که تیم‌های برتر برای مسابقات نهایی راهی قزوین شدند.

صمیمی مطرح کرد: از هیأت ورزش‌های جانبازان و معلولان استان قزوین و آقای موسوی برای زحماتی که برای برگزاری هرچه بهتر این مسابقات کشیدند کمال تشکر را داریم.

رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان کشور خاطرنشان کرد: فدراسیون در قالب برگزاری مسابقات والیبال نشسته چند هدف کلی را دنبال می‌کند، در مرحله نخست به دنبال این بودیم که جنبش ورزش‌های جانبازان و معلولین را در سطح کشور ایجاد کرده و افراد دارای معلولیت بیشتری را برای ورزش تشویق ترغیب کنیم.

وی ادامه داد: استعدادیابی از ورزشکاران معلول و جانباز و تشکیل تیم ملی "ب" والیبال نشسته کشور از دیگر ماموریت‌های ما در قالب برگزاری این دوره از مسابقات بوده است.

وی در پایان از برگزاری مسابقات قهرمان کشوری والیبال نشسته از اسفند ماه امسال خبر داد.

تیم فیروز قزوین خوش می‌درخشد



قزوین، قهرمان رقابت‌های بسکتبال با ویلچر مردان شد قزوین " ایرنا " مرحله نهایی رقابت‌های لیگ دسته یک بسکتبال با ویلچر مردان شامگاه جمعه با قهرمانی تیم قزوین در سالن ورزشی شهید بابایی این شهر پایان یافت.

در این رقابت‌ها تیم‌های جانبازان فارس، بوکان، قزوین و هرمزگان طی ۲ روز در قالب ۶ دیدار به رقابت با یکدیگر پرداختند.

تیم فیروز قزوین در این رقابت‌ها با شکست تمامی حریفان ضمن کسب عنوان قهرمانی به لیگ برتر صعود کرد و تیم‌های جانبازان فارس و هیأت هرمزگان مقام‌های دوم و سوم را به خود اختصاص دادند.

در حاشیه آیین اختتامیه این رقابت‌ها از پیشکسوتان بسکتبال با ویلچر استان قزوین تجلیل شد و از خانواده زنده یاد داریوش جهانفر بازیکن فقید سال‌های پیشین باشگاه فیروز، تقدیر به عمل آمد.

بیانیه مشترک سازمان غیردولتی ایرانی دارای مقام مشورتی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر

این در حالی است که وجود چنین روندی، اعتماد جهانیان را به سازوکارهای بین‌المللی تضعیف می‌کند و اثربخشی و کارایی آنها را در مواقع لازم زیر سوال می‌برد.

حال که شاهد نقض و تهدید حقوق بشر در اقصی نقاط جهان هستیم، سازمان‌های مدافع حقوق بشر مسئولیت مهمی بر عهده دارند تا برای پاسداری از کرامت انسانی و یافتن راهکارهای عملی برون رفت از موضوع، تلاش کنند. در این راستا سازمان غیردولتی صادرکننده این بیانیه، ضمن تاکید دوباره بر ضرورت حفظ کرامت و شرافت جایگاه والای بشر، از تمام گزارشگران سازمان ملل، مدافعان و صلح بانان حقیقی در جهان می‌خواهند تا برای تحقق جهانی سرشار از رعایت حقوق بشر، کرامت انسانی، صلح، امنیت و عدالت، عزم خود را بیش از پیش جزم کنند و با ایستادگی در مقابل دولت‌هایی که صرفاً مبتنی بر زور، اراده خود را به بیش از ۱۹۰ عضو دیگر القا می‌کنند، تن خسته و رنجور حقوق بشر را که عمیقاً سیاست‌زده شده، جانی دوباره بخشند.

ما متعهد می‌شویم تا برای صیانت از امید و سلامت و اعتماد سرمایه‌های آینده حقوق بشر یعنی تمامی جوانان دنیا بایستیم. معتقدیم تنها در این صورت است که جوانان نیز توانایی ایستادن برای حقوق بشر حقیقی را خواهند یافت.

صادرکنندگان بیانیه به ترتیب حروف الفبا:

۱. انجمن اوتیسم ایران
۲. انجمن پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی
۳. انجمن تالاسمی ایران
۴. انجمن سلامت خانواده ایران
۵. انجمن زنان ایرانی طرفدار توسعه پایدار محیط زیست
۶. انجمن حمایت از حقوق شهروندی شهروندان «منشور پارسه»
۷. جامعه احیاگران طب سنتی و سلامت ایرانیان
۸. جمعیت حمایت از بهبودیافتگان
۹. خیریه آبشار عاطفه‌ها
۱۰. خیریه ارتقاء کیفیت زندگی ایرانیان
۱۱. خیریه تحصیلی مریم قاسمی
۱۲. سازمان دفاع از قربانیان خشونت
۱۳. شبکه ارتباطی سازمانهای غیردولتی زنان جمهوری اسلامی ایران
۱۴. کانون معلولین توانا
۱۵. مؤسسه آموزشی، تحقیقاتی راهبرد پیمایش
۱۶. مؤسسه پیوند گل نرگس
۱۷. مؤسسه خیریه «امام علی»

۷۱ سال پیش در چنین روزی، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید تا تمامی انسان‌ها، فارغ از رنگ، سن، مذهب، زبان، نژاد و جنسیت، بر مبنای برابری و کرامت ذاتی از آزادی، عدالت و صلح برخوردار شوند.

امسال، استفاده از ظرفیت جوانان به عنوان عامل سازنده تغییر، تقویت صدای آنان و ترغیب به مشارکت طیف وسیعی از مخاطبان در موضوع حقوق بشر، سازمان ملل متحد را بر آن داشته تا «جوانان برای حقوق بشر می‌ایستند» را به عنوان شعار امسال این روز جهانی، انتخاب کند. این انتخاب شاید از آن‌روست که سازمان ملل می‌داند این روزها نه حال حقوق بشر خوب است و نه حال جوانان.

به‌عنوان مثال در چند سال اخیر جوانان ایرانی‌استفاده‌ابزاری از مفهوم مقدس حقوق بشر را به‌ویژه از سوی ایالات متحده آمریکا با تمام وجود خود درک کرده‌اند. دولتی که با خروج از شورای حقوق بشر حتی تلاشی ظاهری هم برای رعایت قوانین حقوق بشر بین‌الملل نمی‌کند، به واسطه اعمال اقدامات قهرآمیز یکجانبه، تحریم‌های ثانویه و راه‌اندازی تروریسم اقتصادی ضربه‌های سخت و بی‌محابایی به پیکر اقتصاد ایران وارد کرده و تقریباً تمام شهروندان ایرانی، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیری همچون زنان، کودکان، سالمندان، بیماران، معلولان، مجروحان شیمیایی و بسیاری دیگر از اقشار مردم را با مشکل کمبود دارو، تجهیزات پزشکی، تغذیه مناسب و حتی عدم پایداری شغل و آموزش و زندگی مواجه کرده است.

اکنون سوال جوان ایرانی این است: جهان امروز برای حقوق بشر جوانان تا چه میزان ایستاده است؟

تأثیر مواردی چون اعمال تحریم‌ها نسبت به ۷۰۰ شخص حقیقی و حقوقی ایرانی، تمدید نکردن تاریخ انقضای معافیت‌های خرید نفت از ایران، اعمال مجازات نسبت به خریداران نفت از این کشور، احتمال منجر شدن تحریم‌ها به نرخ تورم ۵۰ درصدی، تأثیر محدودیت‌های بانکی بر بهره‌مندی شهروندان ایرانی از حق بر سلامت، تأثیر روند پیچیده نظارت‌تبر تمامی خدمات بانکی، حتی انتقال دارو و هزینه‌های آموزشی برای مددجویان سمن‌های ایرانی، کمبود ارز خارجی در ایران برای انجام پرداخت‌ها به شرکت‌های خارجی، از جمله تبعاتی است که بارها و بارها در گزارشات و اسناد منتشر شده از سوی مراجع و مقامات بین‌المللی سازمان ملل متحد مورد تایید قرار گرفته است. علیرغم این تصریحات و نیز ضرورت رفع تحریم در بخش‌هایی چون دارو، محصولات غذایی و خدمات امنیت هوایی در دستور موقت ۳ اکتبر ۲۰۱۸ دیوان بین‌المللی دادگستری، واکنش‌های صورت‌گرفته نسبت به ادامه و حتی تشدید تحریم‌ها توسط ایالات متحده نشان از آن دارد که جهان معاصر در برابر نقض گسترده حقوق بشر و استفاده‌ابزاری آن توسط برخی از قدرت‌ها، تمایل به سکوت، بی‌تفاوتی و یا تفسیر به نفع منافع مبتنی بر قدرت دارد.

برگزاری کارگاه آموزشی بازیابی اطلاعات سازمان ملل در کانون معلولین توانا



به گزارش واحد روابط عمومی و امور بین‌الملل، کانون معلولین توانا با همکاری سازمان ملل، کارگاه آموزشی را به مناسبت روز جهانی معلولین در تاریخ دوشنبه ۲۵ آذر ساعت ۱۱ الی ۱۳ در کانون توانا برگزار کرد.

سی و دو نفر در این کارگاه شرکت داشتند که از مدیران و همکاران افتخاری کانون توانا بودند. هدف از برگزاری کارگاه، «بازیابی اطلاعات و اسناد سازمان ملل در حوزه معلولیت» بود که توسط نازنین قائم مقامی کتابدار سازمان ملل در کانون توانا برگزار شد. گفتنی است پیام دبیرکل به مناسبت روز جهانی معلولین در این کارگاه قرائت شد. در انتها گواهینامه این دوره به شرکت‌کنندگان اعطا شد.

دیدار رئیس شبکه ملی تشکلهای معلولان جسمی حرکتی کشور با رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس

به جامعه معلولین کشور با اعتقاد کمک می کنیم

محیا نیست و در گریز از فقر، چشم انتظار سازمانهای حمایتی هستند. سیداکبر حسینی با اشاره به اهمیت تامین اعتبارات در رسیدگی به وضعیت معلولان افزود: بی توجهی مسئولان و عدم تحقق اعتبارات برای اجرای قانون معلولان در سال ۹۸ ما را به این نتیجه رساند که وقتی سخن از کاهش هزینه ها در دولت به میان می آید، دیواری کوتاهتر از دیوار معلولان وجود ندارد!

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز ضمن قدردانی از تلاشهای سیدمحمد موسوی در ایجاد زمینه شغلی برای معلولان، با تمجید از حرکتیهای تشکیلاتی در تحقق حقوق معلولان اظهار داشت: تصویب قوانین و اختصاص اعتبارات اجرای قوانین را باید مدیون تلاشهای گروههای مردمی دانست که همواره در برنامه ریزیهای کلان کشور تاثیرگذار بوده اند.

غلامرضا تاجگردون در ادامه با اشاره ای به کمبود اعتبارات و مشکلات مالی دولت، گفت: از عدم تامین اعتبارات اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان بی اطلاع بودم و البته می دانستم که تماما پرداخت نشده ولی از اینکه بخش ناچیزی از آن تحقق یافته باشد، مطلع نبودم.

وی در ادامه با ذکر این مطلب که "به جامعه معلولین کشور با اعتقاد کمک می کنیم" گفت: مشکل تامین اعتبارات مختص به ردیف اعتباری مربوط به اجرای قانون معلولان نبوده و متأسفانه دولت در بخشهای مختلف با مشکل مالی مواجه است.

تاجگردون با اشاره به کاهش درآمدهای دولت، افزود: اجرای ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان و پرداخت حداقل دستمزد وزارت کار به معلولان غیرشاغل، اعتبار قابل توجهی را می طلبد که با توجه به شرایط اقتصادی کشور، تصور نمیکنم تا سالها اجرائی گردد ولی در بخشهای دیگری همچون بهداشت و درمان که ضروری و اجتناب ناپذیر است، قطعاً پیگیری خواهیم نمود تا اعتبارات مصوب تامین و پرداخت شود.

در پایان این نشست رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با ابراز امیدواری از تحقق بخشی از بودجه جاری و اصلاح اعتبارات پیشنهادی سال ۹۹، از شبکه ملی معلولان خواست تا ضمن ارسال مکتوب مطالبات جامعه افراد دارای معلولیت، موضوعات را به جد پیگیری نمایند.

در پی عدم تحقق بخش اعظم بودجه و اعتبارات اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان در سال جاری و پیش بینی غیرکارشناسانه اعتبارات برای سال ۹۹ رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شبکه ملی تشکلهای غیردولتی معلولان جسمی حرکتی کشور با حضور در دفتر کمیسیون برنامه بودجه مجلس شورای اسلامی با غلامرضا تاجگردون دیدار و گفتگو کردند.

به گزارش پیک توانا، در این نشست سیدمحمد موسوی با اشاره به آمار معلولان کشور و نیازهای ویژه آنان به حمایتهای دولت گفت: نزدیک به سه سال از تصویب قانون حمایت از حقوق معلولان می گذرد و همچنان اجرای این قانون اندر خم یک کوچه است!

رئیس شبکه ملی تشکلهای معلولان جسمی حرکتی کشور در ادامه با انتقاد از عدم تامین اعتبارات سال ۹۸ و تحقق بخش ناچیزی از بودجه اجرای قانون حمایت از معلولان، افزود: سازمان برنامه و بودجه مکلف است در راستای اجرای ماده ۶۷ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، صددرصد اعتبارات سازمان بهزیستی را تخصیص نماید.

وی همچنین افزود: انگیزه دولت از هدفمندی یارانه ها رسیدگی به دهکهای پائین جامعه بوده که متأسفانه توجه چندانی به آن نشد و همچنان معلولان حتی در تامین نیازهای اولیه بهداشتی و درمانی خود با مشکلات مالی مواجهند. موسوی با اشاره به پیش بینی بودجه ۱۳۰۰ میلیارد تومانی برای اجرای قانون در سال ۹۹، مبلغ آن را کمتر از ۱۰ درصد نیاز واقعی جامعه معلولان اعلام و گفت: عدم توجه به اجرای قوانین و مشکلات اقتصادی خانواده های دارای فرد معلول باعث گردیده تا برخی عزیزان با معلولیتهای شدید و خیلی شدید حتی توانایی تامین مایحتاج بهداشتی خود نداشته باشند. تاحدی که با سستشوی یک وسیله بهداشتی یکبار مصرف، از آن به دفعات استفاده می نمایند.

مدیرعامل شبکه ملی تشکلهای غیر دولتی معلولان نیز در این نشست با اشاره به وجود یک میلیون و ۴۵۰ هزار پرونده مددکاری و ۹۰۰ هزار فرد معلول مستمری بگیر تحت پوشش سازمان بهزیستی، گفت: بیش از ۴۵۰ هزار نفر از این افراد شرایط لازم برای برخورداری از ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان را دارا هستند و این بدین معناست که نزدیک به نیم میلیون فرد دارای معلولیت شدید و خیلی شدید در کشور یا توانایی کار کردن ندارند و یا فرصت شغلی برای آنان

دبیر هیات ورزش های جانبازان و معلولین استان قزوین:

شورای شهر به ورزش معلولان بی توجه است



افراد تندرست هزینه کرده اما حتی بخش کوچکی از این رقم به حوزه معلولان تخصیص پیدا نکرد و پیگیری ما نیز به نتیجه ای نرسید که امیدوارم با روی کار آمدن شهردار جدید شاهد اتفاقاتی موثری باشیم. این مسئول یادآور شد: بازی تیم بوکان و شیراز روز پنجشنبه به برد تیم شیراز و بازی بندرعباس و فیروز قزوین به برد فیروز قزوین منجر شد و مسابقات دو تیم دیگر روز جمعه ادامه خواهد داشت.

ابوالفضل چیتگر

به گزارش پیک توانا؛ سیروس مالمیری با بیان اینکه ما در حال برگزاری مسابقات نهایی دسته یک بسکتبال با ویلچر کشور به میزبانی استان قزوین هستیم، گفت: این مسابقات از ۴ دی شروع و تا ۶ دی ادامه خواهد داشت.

وی افزود: چهار تیم شامل تیم های بوکان، بندرعباس، شیراز و فیروز قزوین در این مسابقات با هم به رقابت می پردازند و تیم های کسب کننده مقام اول و دومی این مسابقات به سوپرلیگ کشور صعود خواهند کرد.

این مسئول توضیح داد: مسابقات سوپر لیگ کشور، از اردیبهشت سال آینده آغاز می شود که در آن ۱۲ تیم به رقابت خواهند پرداخت و برندگان آن وارد مسابقات ملی و پس از آن رقابت های بین المللی می شوند.

مالمیری تاکید کرد: خوشبختانه بازیکنان تیم فیروز درخشش خوبی دارند و پیرو همین درخشش اخیراً به تورنمنتی در کشور ارمنستان دعوت شده و موفق به کسب مقام قهرمانی شدند.

دبیر هیات ورزش های جانبازان و معلولین استان خواستار توجه ویژه مسئولان به امور معلولان شد و خاطر نشان کرد: از بی توجهی شورای شهر قزوین نسبت به ورزش معلولان، معترضیم.

وی توضیح داد: شورای شهر قزوین توجهی به ورزش معلولان ندارند و حتی برای تماشای مسابقات آنان نیز حاضر نشدند، در حالیکه انتظار همکاری و مساعدت بیشتری از آن ها می رود.

به گفته مالمیری شورای شهر قزوین ۳ میلیارد و ۸۰۰ هزار تومان برای ورزش

ادب و هنر



دل نوشته



گاهی باید لطافت شبنم را روی تن برگ لمس کرد تا به لطافت روح دست یافت، گاهی باید در غمی بی پایان خندید و غم را وقف نیلوفر کرد تا بتوان گل‌های شادی را چید، گاهی باید از کوچه آشنایی عبور کرد و عشق را در میان لاله‌ها جست‌وجو کرد

و آن را به قلب‌های خسته هدیه داد.

عشق لطافت قلب‌های شکسته است آن را دریاب، عشق رودی است که تو را به کلبه طلایی آرزوهایت می‌رساند، در آن شناور شو، عشق ترنم دل‌بستگی انسان‌هاست با آن همراه شو،

عشقی به زلالی آب چشمه ساران برای لمس دوستی‌های بی‌ریا،

عشقی به روشنی تابش آفتاب مهربانی برای بخشش بی چشم داشت بدی‌ها،

عشقی به زیبایی غروب خورشید برای طلوع شادی‌ها و غروب غم‌ها،

عشقی به سبزی جوانه‌های امید برای شکفتن گل سرخ آرزوها،

عشقی به سرخی خون جاری در رگ‌ها برای شناور شدن روی امواج خروشان زندگی و رسیدن به ساحل آرامش،

عشقی به پاکی بنفشه‌های همدلی برای بالا رفتن از پلکان زندگی و ایستادن بر بام طلایی عشق و استشمام عطر دل‌انگیز بهشت و عشقی به وسعت آسمان نیلگون برای نزدیکی به خدا و تفکر عمیق در گردش زمین و آسمان برای شکرگزاری خالصانه از ایزد یکتا،

این رنگین کمان زیبای عشق را تقدیم وجود ارزشمندت می‌کنم تا بتوانی هدف والای زندگی‌ت را دریابی و به هفت شهر عشق سفر کنی و عشق حقیقی را در آغوش بگیری سفرت بی خطر توشه‌ات پرثمر باد.

ها نیه عرب(معلول جسمی حرکتی-کرج)

پسری که هنرش نقاب معلولیتش می‌شود

از همان کودکی، اوقاتی را که مادرش پای دار گلیم می‌نشست او نیز کنار مادر خیره به دستان او، به زیرو رو رفتن نخ‌ها و تکرار دوباره این کار، تغییر رنگ کامواها، همچنان بالا آمدن بافت و در نهایت مشخص شدن نقشه گلیم، مشتاقانه این مراحل را دنبال می‌کرد، گویی به دنبال چیزی بود و در ذهنش آن را تجسم می‌کرد، این روزها برایش تکرار شد و همچنان در کنار مادر نشست تا در نهایت توانست طرح‌های زیبایی از گلیم را بر روی کاغذ پیاده کند که زاده ذهن خودش باشد، آن روزها بود که متوجه علاقه شدیدش به هنر طراحی برای نقشه گلیم شد.

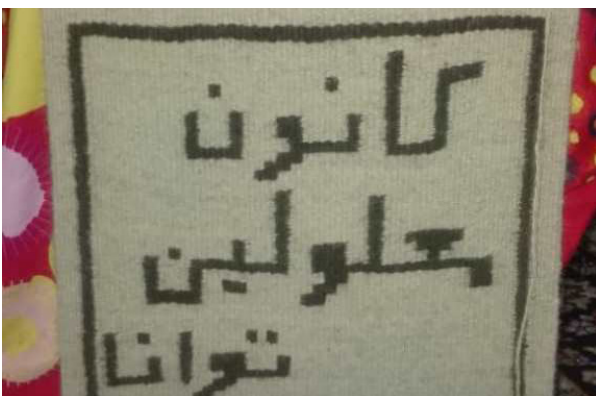
آن پسر هنرمند که امروز پا به ۱۳ سالگی گذاشته، نامش ابوالفضل کشاورز پشایی است، همراه همیشگی او در خانه و بیرون از خانه مادرش است، آنها در استان قزوین، شهرستان اقبالیه زندگی می‌کنند. او دارای معلولیت جسمی و حرکتی است و به طور مادرزاد دچار این معلولیت شده است و از همان کودکی از صندلی چرخدار استفاده می‌کند. ابوالفضل از اعضای کانون توانا و همچنین از دانش‌آموزان ممتاز و محدود جشنواره تشویق دانش‌آموزان ممتاز است که هر ساله در استان قزوین و توسط کانون معلولین توانا برگزار می‌شود.

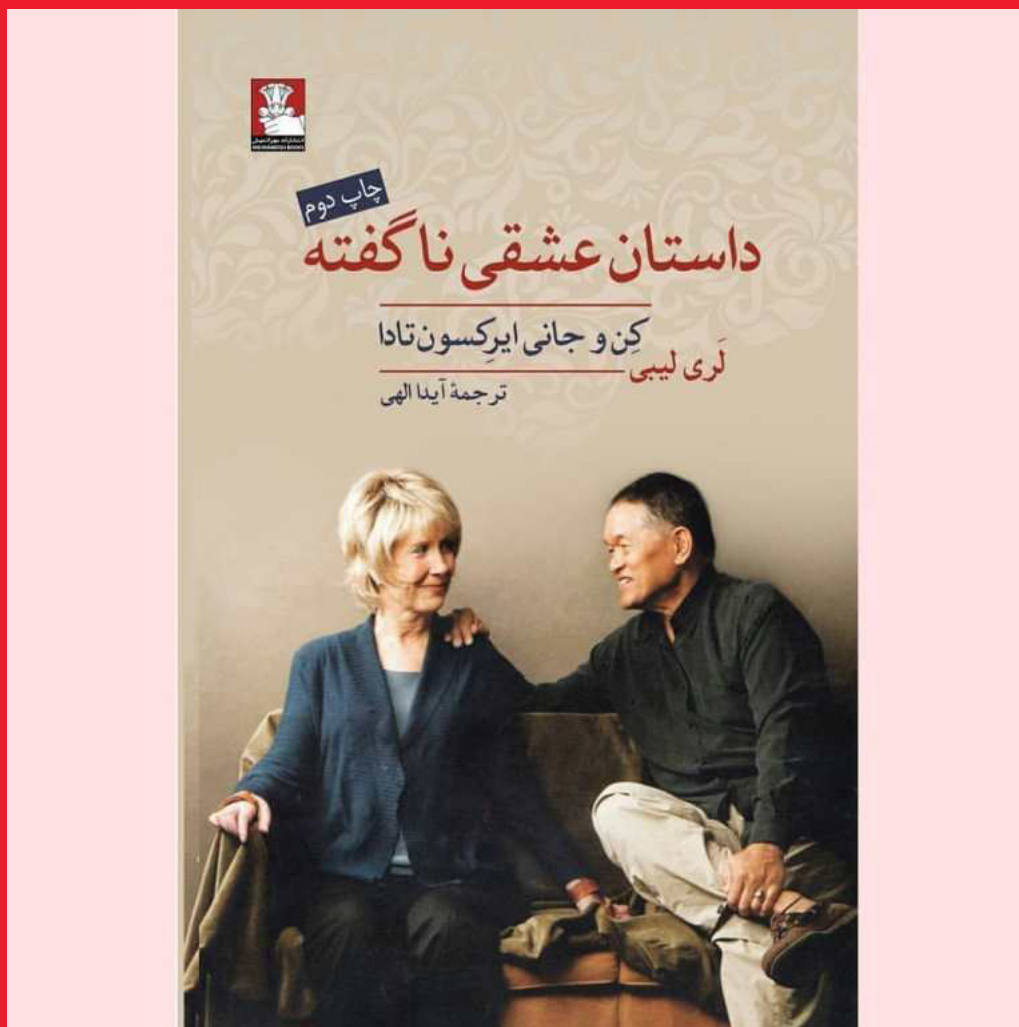
ابوالفضل چندین سال است که به طور جدی طراحی نقشه‌های گلیم را شروع کرده و همچنین خودش چند نمونه کار از گلیم زیبا بافته است، او از چندین نفر هم سفارش قبول کرده اما نه برای هزینه آن بلکه برای دل خودش، زیرا می‌گوید: باعث افتخار من است وقتی گلیمی بافته و تمام می‌شود با نمایان شدن طرح آن یاد طراح آن نیز بیفتند و پیش خود بگویند نقشه این گلیم توسط کسی طراحی شده که معلولیت دارد اما این استعداد همچون نقابی، معلولیت او را پوشانده است. او در صحبت‌هایش به آرزوهای درونی‌اش نیز اشاره می‌کند و دلش می‌خواهد از طراحان بزرگ ایران باشد و روزی برسد طرح‌های او در تمام ایران و جهان مطرح شود.

این پسر هنرمند از آنجایی که به طراحی و نقاشی علاقه دارد در کنار طراحی نقشه گلیم، می‌تواند داستان‌هایی را که دیگران می‌نویسند بخواند و پس از آن شخصیت‌های آن داستان‌ها را با دقت و ظرافت طراحی کند و روح تازه‌ای به داستان ببخشد، همچنین او در زمینه گرافیک و انیمیشن نیز مهارت دارد و طی گذراندن دوره‌های آموزشی انیمیشن، قصد دارد این حرفه و مهارت را از اهداف و برنامه‌های آینده‌اش قرار دهد.

از توانمندی‌های دیگر او می‌توان حضور در گروه سرود توانا و ایفای نقش در تئاتر اشاره کرد، از آنجایی که کانون معلولین توانا به دنبال تقویت انگیزه و همچنین شکوفایی استعدادهای معلولین است در چندین سال فعالیت خود، همیشه به دنبال فراهم کردن شرایطی بوده است تا افراد دارای معلولیت بتوانند توانمندی‌های خود را به نمایش بگذارند، ابوالفضل نیز با شرکت در این تئاترها و بازی در کنار هم‌وعانش موفق شد تا با مهک زدن خودش بتواند به روی صحنه برود و در نمایش آدم دیوها، ویژگی‌های انسان خوب و... ایفای نقش کند و حتی به جشنواره نیز راه یابد.

مهدیه برنگ





«داستان عشقی ناگفته» روایت عاشقانه‌ای است متفاوت، روایت عشقی راستین و بازگوکننده‌ی رابطه‌ای خاص میان زن و مردی که در وهله‌ی اول، تمام دلایل و حقایق عالم مخالف با عاشق شدن و ازدواج آن‌ها با یکدیگر است...

«جانی» زن جوانی است که سال‌ها پیش، زمانی که تنها هفده سال داشت، در پی شیرجه زدن در بخش کم عمق اقیانوس در سال ۱۹۶۷، از گردن به پایین فلج می‌شود؛ او که با نوشته‌هایش، سخنرانی‌ها، آواز خواندن‌هایش و نقاشی‌هایی که با نگه داشتن قلم مویی در دهان می‌کشد، در سراسر دنیا شناخته شده است، در سن سی و دو سالگی این فکر را که مردی بخواهد یا بتواند به او ورای صندلی چرخدار و معلولیتش نگاه کند و او را به چشم معشوق و همسر آینده خود ببیند تا حد زیادی از ذهن بیرون کرده بود، اما او در آن زمان، انتظار مواجه شدن با «کن تادا» را نداشت...

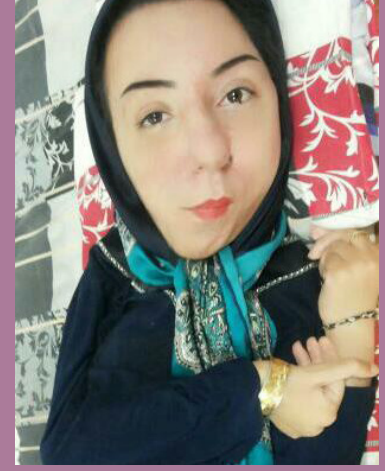
با این حال، ازدواج جانی و کن با موانعی مواجه است که حتی تصورش نیز برای بیشتر ما غیرممکن است و دلایل بی شماری برای دست کشیدن از آن وجود دارد، اما آن‌ها هنگام روبه‌رویی با موانع ناممکن پیش روی‌شان که به شکلی غیرمنتظره دشوارتر می‌شوند، به جای آن که فقط به سادگی یکدیگر را تحمل کنند و بدون هیچ احساسی و تنها از روی قید و شرط باهم بمانند، از میان همه دشواری‌ها راهی می‌یابند تا به سطح جدیدی از عشق نائل شوند...

درباره‌ی نویسنده:

لری لیبی نویسنده و ویراستاری آمریکایی در حوزه مسیحیت است، از کتاب‌های او می‌توان به «روزی بهشت» و «چه کسی خدا را به وجود آورد؟» اشاره کرد، با این حال کتاب حاضر معروف‌ترین اثر اوست، وی بیش از ۲۵ سال در رسانه‌های مسیحی فعالیت داشته است و در حال حاضر به‌عنوان نویسنده و ویراستاری مستقل با مؤلفان و ناشران حوزه مسیحیت همکاری دارد.

درباره‌ی مترجم:

آیدا الهی، متولد فروردین ۱۳۶۳ زاده و ساکن مشهد است، او که در سال ۱۳۸۳ زمانی که دانشجوی رشته مهندسی کشاورزی صنایع غذایی بود، در پی سانه‌ای دچار آسیب‌نخاعی شده و از تحصیل بازماند، با این حال در سال ۱۳۸۸ توانست تحصیلات خود را به صورت غیر حضوری و این بار در رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی از سر بگیرد؛ در حال حاضر او در رشته «مطالعات ترجمه» در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شده است و علاوه بر کتاب حاضر، ترجمه دو کتاب دیگر با عناوین «داستانی فراموش‌ناشدنی» و «اعترافات یک مادر» را نیز در کارنامه‌ی حرفه‌ای خود دارد، اگر چه ترجمه در زمینه معلولیت و غنا بخشیدن به کمیت آثار در این زمینه از دغدغه‌های اصلی اوست، ترجمه چند اثر برجسته ادبی نیز از جمله کارهای پیش روی اوست که در آینده وارد بازار کتاب خواهد شد.



آیا شما نشانه‌ای از من ندیده‌اید؟
 کوهی درست رو به شکستن ندیده‌اید؟
 رودی بدون فرصت برگشت تا ابد
 آرام و سربه‌زیر و فروتن ندیده‌اید؟
 اینجا کنار بغض سرازیر ریل‌ها
 ساکی در آستانه رفتن ندیده‌اید؟
 ساکی بدون نان و پنیر و کمی لباس
 ساکی میان رفتن و ماندن ندیده‌اید؟
 مردی شبیه رودکی اما شکسته‌تر
 در بلخ یا حوالی کدکن ندیده‌اید؟
 بودا تر از همیشه تاریخ بامیان
 آماج سنگ‌های فلاخن ندیده‌اید؟
 مردی که رنگ مات عصایش سفید بود
 در کوچه‌های قونیه اصلاً ندیده‌اید؟
 مردی که آه، مثل من انگار گمشده‌ست
 چون سوزنی میانه انبار گمشده‌ست
 مردی که هیچ‌گاه عصایش رها نشد
 هرچند روضه خواند، عصا ازدها نشد
 مردی که باز با پر قمری پرید و رفت
 با چشم تا ابد تر قمری پرید و رفت
 در کوچه‌های گریه بسیار خنده شد
 از دست سنگ‌های زمانه پرنده شد

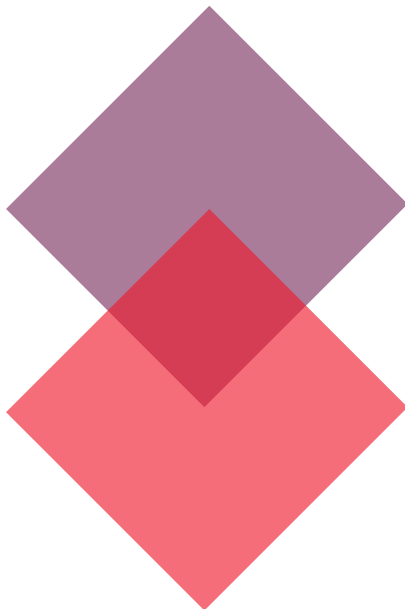
ای پدر دشت غم اینجاست، بیا برگردیم
 کربلا آخر دنیاست، بیا برگردیم
 ای پدر در پس آرامش این دشت وسیع
 عمق یک فاجعه پیداست، بیا برگردیم
 خودشان نامه نوشتند بیا، لیک پدر
 کار این قبیله حاشاست، بیا برگردیم
 عمه‌جان با پدرم حرف بزن، این سگ‌ها
 قصدشان کشتن باباست، بیا برگردیم
 ای پدر ماه و علمدار تو صد پاره شده
 در دل فاطمه غوغاست، بیا برگردیم
 علت تشنگیت چیست پدر؟ تو گفتی
 آب مهریه زهراست، بیا برگردیم
 قتلگاه این طرف است و پدر من، تنها
 آنطرف هلهله برپاست، بیا برگردیم
 نروم من به اسارت که دلم جا مانده
 پدرم بی سر و تنه‌است، بیا برگردیم
 رأس بابا به سر نیزه خدایا چه کنم
 دشمنش غرق تماشاست، بیا برگردیم
 راز این شعر همین مصرع پایانی بود
 کربلا کعبه دلهاست، بیا برگردیم

سیدعلی موسوی سوادکوهی،
 شاعر دارای معلولیت از مازندران

گاه دریا با تمام بخشش و آرامشش
 مهد طوفانی مهیب و بیمحبا می‌شود
 بستر روزیرسان مردم ساحلنشین
 حامل امواج مرگ و خشم و غوغا می‌شود
 گاه آغوش زمستان گرم گرم می‌کند
 تیر تابستان ولی قندیل بسته در دلت
 گاه زنده می‌شوی در فصل مرگ برگ‌ها
 در بهار انگار مهر مرگ خورده بر دلت
 گاه آوای فراموشی برایت مرهمی
 بر هجوم زخم‌های سرخ دنیا می‌شود
 گاه اما با به یاد آوردن یک خاطره
 پنجره‌های دلت رو به خدا وا می‌شود
 گاه مثل رقص گل بر روی موج رودها
 توی افت و خیز دنیا دل سپردی به مسیر
 گاه اما مثل سنگ محکمی در عمق رود
 با وجود هر فشاری ایستادی ناگزیر
 گاه گاهی از مسیر زندگی بیرون برو
 زیر یک سایه بیاسار رو به دنیای خیال
 وای اگر از مرزهای واقعیت رد شوی
 می‌رسی آخر به شهر دیدنی‌های محال

عظیمه ایرانپور، شاعر دارای معلولیت
 از اصفهان

موسی عصمتی، شاعر و معلم نابینا از
 روستای شوربیجه از توابع سرخس



هنوز می‌چکد از چشم‌ها بهانه‌ی تو
 بیا که سر بگذارد جهان به شانه تو
 برای گریه این ابرهای سرگردان
 کجاست بهتر از آغوش بی‌کرانه تو؟
 به پای بوسی دریای وعده‌داده‌شده
 از ابتدای زمان رودها روانه تو
 سحر سحر همه جا بادها سراسیمه
 نفس نفس همه در جست‌وجوی خانه تو
 ستاره‌ها همه پا در رکاب نور امید
 نگاه سرخ افق مشعل نشانه تو
 اگرچه باور تقویم ما زمستانی‌ست
 هزار سکه بهار است در خزانه تو
 بین باغ خزان خیز چهارفصل هنوز
 به انتظار تو قدمی کشد جوانه تو
 به صبح جمعه قسم، عصر عصر دلتنگی‌ست
 بخواه تا بشوم لایق زمانه تو

فاطمه عارف‌نژاد، شاعر دارای معلولیت از قم





کاریکاتور است : محمدعلی رجبی

علاقه‌مندان می‌توانند تحلیل خود را از این طرح به سامانه‌ی پیام کوتاه ۳۰۰۰۷۵۴۵ ارسال کنند. به بهترین تحلیل جایزه‌ای ارزنده اهدا خواهد شد.

سودوکو، مخفف عبارت ژاپنی "سوجی وا دوکوشین نی کاگیرو" به معنی «ارقام باید تنها باشند» است. قانون اول: در هر سطر جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد. قانون دوم: در هر ستون جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد. قانون سوم: در هر ناحیه ۳x۳ جدول اعداد ۱ الی ۹ بدون تکرار قرار گیرد.

۷				۹		۸		
۸				۶	۷		۹	
	۶	۹	۱		۸			
۲		۱				۶		
		۴				۳		۱
			۶		۹	۷	۲	
	۲		۵	۷				۸
		۵		۸				۴

				۲				۴
۷	۵		۹					۲
۴		۳			۵			۹
	۴		۲			۸		۳
۹		۷			۸		۶	
۳			۱			۴		۷
۱					۴		۹	۸
۸				۵				

طراح: حسین طارمیان

سلامت



راه‌هایی برای درمان

اگر چه بعضی از معلولیت‌ها قابل درمان نیستند، ولی درمان‌های زیر ممکن است به بهبودی آنها کمک کند.

فیزیوتراپی:

در فیزیوتراپی متخصصان حرفه‌ای حالت فیزیکی مانند صدمه، معلولیت، بیماری یا شرایط را درمان می‌کنند. فیزیوتراپیست یک متخصص حرفه‌ای با تجربه است که شرایط غیرطبیعی فیزیکی را تشخیص می‌دهد و برای بهبود آن تلاش می‌کند. فیزیوتراپی گاه تنها راه درمان و گاه مکمل درمان‌های دیگر است. بیماران اغلب با فیزیوتراپی آموزش می‌بینند که در خانه کارهایی انجام دهند تا عملکرد آنها موثر باشد.

گفتار درمانی:

اگر فرزند شما معلولیت گفتاری دارد، مشکل او در تلفظ کلمات است، گفتار درمانی ممکن است به پیشرفت زبانی و ارتباطات او کمک کند. گفتار درمانی یک خدمات موثر است که حرف‌زدن فرد معلول را بهبود می‌بخشد. درمان به صورت تک‌نفره یا گروهی (برای بچه‌هایی که از نظر ارتباطی و اجتماعی شبیه هم هستند) انجام شد.

رفتار درمانی:

هدف از این درمان این است تا رفتارهای ناسالم را درست کند. رفتار درمانی معمولاً برای اضطراب، افسردگی، عصبانیت استفاده می‌شود و در این روش درمانگر به شما کمک می‌کند تا به مشکل خود غلبه کنید با شما جلساتی برگزار می‌کند و در مورد مشکلات شما صحبت می‌کند.

کار درمانی:

این روش با ارزیابی حالت فیزیکی و ذهنی انجام می‌شود که در توانایی شخص برای اجرا کردن مورد مهم است. در این روش به شش جنبه اهمیت می‌دهند: جسمی، دیداری، حسی، روانشناسی، اجتماعی و فاکتورهای بیرونی.

کار درمانی برای همه انواع مختلف معلولیت مفید است، هدف این است تا توانایی شخص برای فعالیت‌های روزانه آماده کند و زندگی مستقل خوبی را بسازد. کار درمانی باید به روشی باشد که شخص را برای مستقل‌تر شدن، خودمراقبتی در خانه، کار و مدرسه و جمع آماده کند.



سلامتی افراد دارای معلولیت



ترجمه: دنیا صارمی

۲۷

پیک توانا

سلامت

باید در نظر داشته باشیم انسانهایی که معلولیت دارند احتیاج بیشتری به مراقبت‌های بهداشتی، نسبت به آدم‌های سالم دارند. در هر صورت مواردی که باید مراعات کنیم تا سالم بمانیم و زندگی سالم و طولانی‌تری داشته باشیم: فعالیت جسمانی را هر روز انجام دهیم غذاهای سالم بخوریم زیاد در معرض خورشید نباشیم چکاب منظم داشته باشیم سیگار نکشیم با دوستان و خانواده در ارتباط باشیم.

اگر به کمک نیاز داشتیم با متخصص سلامتی صحبت کنیم اگر شما معلول هستید موارد زیادی هستند که می‌توانید با در نظر گرفتن آنها در زندگی فعال باشید. درباره بدن خود بیشتر بدانید، اینکه چه احساسی دارید وقتی حالتان خوب است و وقتی خوب نیست. دلایل آن حالت‌ها را پیگیری کنید و به طور روشن با متخصص سلامتی خود درباره نگرانی‌هایتان صحبت کنید. متخصصانی را پیدا کنید که با آنها راحت هستید.

حدوداً پانزده درصد مردم جهان دارای معلولیت هستند، بین صدوده میلیون تا صدونود میلیون انسان بالاتر از ۱۵ سال مشکل قابل توجه در عملکرد دارند. درصد معلولیت به علت سن بالای جامعه و شرایط بد زندگی روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند. انسان‌هایی که دارای معلولیت هستند دسترسی کمتری به خدمات مراقبت‌های بهداشتی دارند. افراد دارای معلولیت نیاز به مراقبت بهداشتی و برنامه‌های سلامتی همانند انسان‌های دیگر دارند، تا عضو فعالی از جامعه باشند. معلولیت به این معنی نیست که شخص، سالم نیست یا نمی‌تواند سالم باشد.

سالم بودن برای همه ما یک معنی دارد. یعنی برای داشتن یک زندگی فعال سلامتی نیاز اول است. ابزارها و اطلاعات کمک می‌کند از بیمار شدن و یا پیشرفت بیماری جلوگیری کنیم. برای افراد معلول هم همین معنی را می‌دهد و مشکلات دیگر عنوان شرایط ثانویه دارند که شامل درد، ناراحتی و خطر بالاتر برای بیماری خاص هستند. گرچه افراد معلول ولی سالم گاهی اوقات زندگی سختی را تجربه می‌کنند.

علمی

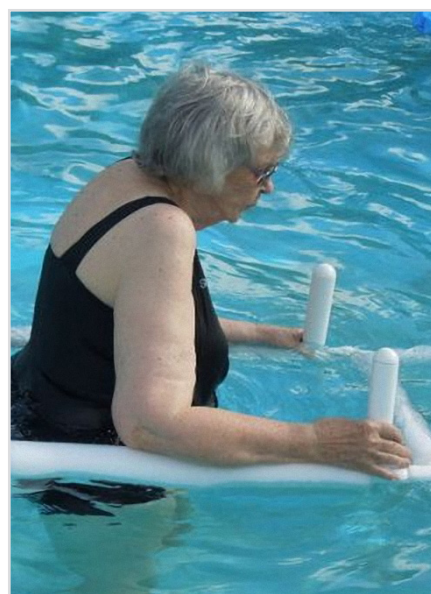
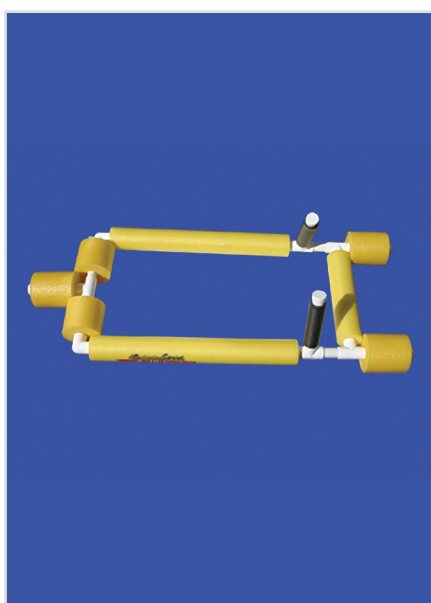


«ترکر» واکر کودک



راه‌پیمای آموزشی «ترکر» دارای حمایت مخصوصی است و بیماران می‌توانند با برخورداری از آزادی حرکت در اندام‌های تحتانی در حالت ایستاده قرار بگیرند که ویژگی راحتی و درمانگری «ترکر» است. همچنین در موقعیت ایستاده نفس کشیدن، هضم، جریان خون و موقعیت مثانه، عملکرد شکم و روده و رشد استخوان را بهتر می‌کند. ارتفاعش ۲/۵ سانتی‌متر و قابل تنظیم است. به راحتی داخل ماشین قرار می‌گیرد. اندازه بزرگ و متوسط آن برای حمل و نقل تا می‌شود و حمل سایز کوچک معمولاً آسان است. آن را تا نکنید.

واکر آبی اسپرینت اکواتیز یا دستیار پیاده‌روی در آب



فلج مغزی خیلی مهم است. این وسیله باعث شد طریقه‌ی راه رفتن او در آب عوض شود. او پایش را عمل کرده بود و به همین دلیل مراحل بهبودی‌اش را در نزدیکی منزل انجام داد.

این واکر تعادل و قدم زدن را با افزایش نیرو بهبود می‌بخشد. دست‌ها و قسمت بالاتنه را حمایت می‌کند. دستگیره‌های مجهز به یک لایه نرم، گرفتن واکر را راحت‌تر می‌کند. به عنوان نمونه، این واکر آبی برای یک پسر هفده ساله و مبتلا به

پروژه «اوگو»

موتور به آن وصل است که حرکت با حالت مناسب در خیابان یا بلند شدن و نشستن روی زمین را با یا بدون کمک آسان می‌کند. عملکرد این وسیله با ریموت کنترلی انجام می‌شود که کودکان می‌توانند مسیر حرکت خود را انتخاب کنند. به علاوه، تعدادی لوازم جانبی شامل جاپایی یا میز و صندلی برای راحتی بیشتر دارد.

طراح: «روبرتورایز» و «سورن مولگارد لاستسن»

هدف پروژه «اوگو» این است تا به بچه‌های مبتلا به فلج مغزی کمک کند تا بدون هیچ کمکی بازی و حرکت کنند. بچه‌های مبتلا به فلج مغزی به دلیل محدودیت داشتن در کنترل ماهیچه‌ها، نیاز به حمایت مخصوص برای حرکت کردن و اصلاح وضعیت بدنی‌شان دارند. «اوگو» به بچه‌هایی که به تنهایی قادر به حرکت نیستند، آزادی حرکت می‌دهد و شامل یک زین تشک‌دار است که ارتعاش قابلیت تنظیم دارد و یک

